

سخن

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تکم شماره ۱۰ ریال

۱۰

سال اول
خرداد ۱۳۵۸
هفته اول

در این شماره:

- پاسخ امام به امپریالیستها
- شوروی: کنسولی امپریالیستی (ع)
- خواستهای کارگران کشاورزی دزفول
- قیام هرات
- کنفرانس اقتصادی سازمان ملل در مانیل
- گزارشی از "گویم" (فارس)
- تجمع کارکنان شیلات بندرانزلی
- خواستهای کارگران کشاورزی گرگان

قیام کارگران و کارکنان کیهان برحق است

و کارمندان انقلابی گرفته تار و زامه فروشان کوچک و بزرگ اروپا پیغام امام خمینی که رهنمود بیان دادن به اعتصاب مطبوعات را بیان میکرد، عاقبت ضربه می کوبیده بر سر سانسور سانسورچیان حکومت نظامی کوبیده شده دستهای سیاه سانسوررزیسم سرسپرده پهلوی را از مطبوعات قطع کرد.

روزنامه‌های کیهان، انتشار خود را از شب ۱۶ دیماه آغاز کرد و در صفحه اول خود با عنوان "هستی..."

دیدیم و شنیدیم که توده‌های مردم با چه شور و شوقی پشتیبانی مادی و معنوی خود را از اب... می داشتند. کیهان در راه خدمت به اکثریت گام گذاشته است و میلیونها نفر با انقلاب خود پادشاهش هستند.

قیام کارکنان چرا و از کجا آغاز شد؟

در اواسط دی ماه، در نتیجه ماهها مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران و پیگیری مبارزه و پایداری خانواده‌های مطبوعات کشور، از کارگران

قیام کارگران و کارمندان استقلال طلب و آزادیخواه کیهان به پیروزی رسید و کیهان تولدی تازه یافت.

به موه سسه کیهان که وارد میشوی شور و شوق عجیبی حکمفرماست. کارگران مینویسند کارگران مینویسند تا خبرنگار کیهان شان باشند. ما دیدیم که چگونه زن و مرد، از بیرون جوان مقاله و مطلب می آوردند و آغوش کیهان برای استقبال از آنان باز بود.

سه اصل خلق

اساس وحدت بزرگ ملی

یکسره نمایان و ایران را از جهان سرمایه داری به جهان "سوسیالیستی" وابسته به خودش بکشد. آنها محکم دوسرطناب را گرفته و میکشند. در چنین اوضاع و احوالی است که انقلاب ما مسیر خود را می پیماید. سیر حوادث پس از پیروزی انقلاب نشان میدهد که رهبران انقلاب برای حفظ استقلال از دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، برای وحدت دادن طبقات و اقشار خلق از ملیتهای گوناگون و برای بهبود وضع زحمتکشان کوشش میکنند، مع الوصف حرکتهای تفرقه اندازانه انحصار طلبانه و ضد زحمتکشان دامن گرفته و در بعضی جاها حتی بتکار عمل را از دست نیروهای انقلاب بیرون آورده است.

علت چیست؟

درفردای انقلاب، امام خمینی هشتاد و یک ساله امپریالیستها به شکست خودتن در نخواهند داد و مبارزه برای قطع نفوذ کامل امپریالیسم آمریکا، شوروی، انگلیس و صهیونیسم را در دستور کار ادامه انقلاب گذاشت.

امروز پس از گذشت چند ماه، این حقیقت را بچشم خود می بینیم. آمریکا و شوروی، هراسناک از جنبش مستقل و یکپارچه ما، با تمام نیرو تلاش میکنند که آنرا تجزیه کنند و با ایجاد تفرقه و نفاق، شرایط را برای تسلط خود فراهم سازند.

انقلاب پیروز مندم ما به امپریالیسم آمریکا ضربت زده و روسیه از این امر خوشحال شد چون رقیبش پایگاه مهمی را از دست داد. اما امروز می بینیم که آمریکا با این شکست خودتن در داده و نه روسیه فقط با این راضی است که رقیبش در ایران ضربه خورده

علت اساسی در عدم جزای سیاست عمومی انقلاب است. سیاست عمده انقلاب با لضعه حکم میکند

بیانیه گروهی از طلاب حوزه علمیه قم

بسم الله قاسم الجبارین و لمننا فقین

بعد از قرنهای تحمل ظلم و استبداد، ملت ایران انقلابی عظیم برپا نهاد که جهان نیان را به اعجاب و شگفتی واداشت شرکت در تظاهرات چند میلیونی، برپا کردن اعتصابات یکپارچه و قریب دههای رعد آسائی که درودیوار را به لرزه درمیاورد و امپریالیسم را مجبور به

مینیویسیم... و چندین عنوان دیگر، به خون شهدای راه استقلال و آزادی "قسم" یاد کرد، "سوگند" خورد و عهد و پیمان بست که دیگر جز در راه میلیونها توده زحمتکش و انقلابشان قلم نزنند، با خلق با شد و لحظه‌ای از خلق جدا نشود و مسئولیتی را که خلق به کیهان داده است به بهترین وجهی انجام دهد. مردم این سوگندها و این پیمانها را به فال تیک گرفتند، صفهای خرید چای را از صفهای پیمپ بنزینها که در از تریبون بودند، در از ترشد و مردم به اولین

فرا موش شوند نقش بسیار مهم اسلام و نقش روحانیت مترقی بخصوص رهبر قاطع و آگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی بود، اسلام بعنوان یک نیروی محرک و یک ایدئولوژی، خلق را بحرکت در آورد و امام با رهبریهای داهیا نشانش نهضت را از گرداب مشکلات بزرگی که میرفت تا بقیمت از دست رفتن نهضت تمام شودرها نیدیکسی از بزرگترین ثمرات انقلاب آزادی بود،

پمپ بنزین ها که در آذربایجان بودند، در آذربایجان مردم به اولین نسخه های کیهان حمله بردند تا حرفشان را بخوانند و کلمات خویش را از کیهان که از خود میدانستند بشنوند. فرمانداران نظامی به روی گروه های مردم که برای خرید جراید از جمله کیهان اجتماع میکردند آتش میگرداند و کسی هیچکس صف را ترک نمیکرد. مردم تشنه ی روزنامه ی خود بودند، روزنامه های که گمان میکردند از آن خودشان باقی میماند. ولی با گذشت زمان، باز دست سا سورجیان، واقعیات را قیچی میکرد، مطالب به زیر سا نسور رفت و اینبار در سمتی دیگر واقعیات دگرگون نمایانده شدند. روزنامه ی کیهان با گذشت زمان به سکوی پخش تبلیغات درجهتی مخالف منافع و مصالح خلق و انقلاب تبدیل گردید، سیل بقیه در صفحه دوم

عزت اساسی در عدم اجرای سیاست عمومی انقلاب است. سیاست عمومی انقلاب با ضرورت حکم میکند تا تمام نیروها بی را که میتوان متحد کرد، متحد نمود، تا علیه امپریالیسم آمریکا و روس و طبقات و اقشار وابسته به آنها مبارزه کنند بقیه در صفحه دوم

در عداوتی که در او دیوارها به لرزه در میآورد امپریالیسم را مجبور به عقب نشینی کرد یکی از بزرگترین نایگاه های امپریالیسم در منطقه در هم فروریخت موازنه قوا به نفع محرومین و مستضعفین نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهان تغییر یافت چیزی که نیاست در این میان

قیام هرات

در ۲۳ اسفند گذشته (۲۴ حوت)، مردم غیور هرات بیباک استند و ضربات سختی بر پیکر ارتجاع وابسته به روس افغانستان وارد کردند. رژیم جنایتکار تره کی برای محق جلوه دادن درنده خوئی خود و کشتار و سرکوب قیام هرات، به دولت ایران حمله نمود و مبادی رزیمین افغان را ایرانیهای با لباس میدل خواند. آنچه در زیر میخوانید بخشی از اخبار این مبارزات است که از نشریه "سوم عقرب" گرفته شده است (توضیحات لغوی داخل پرانتز است).

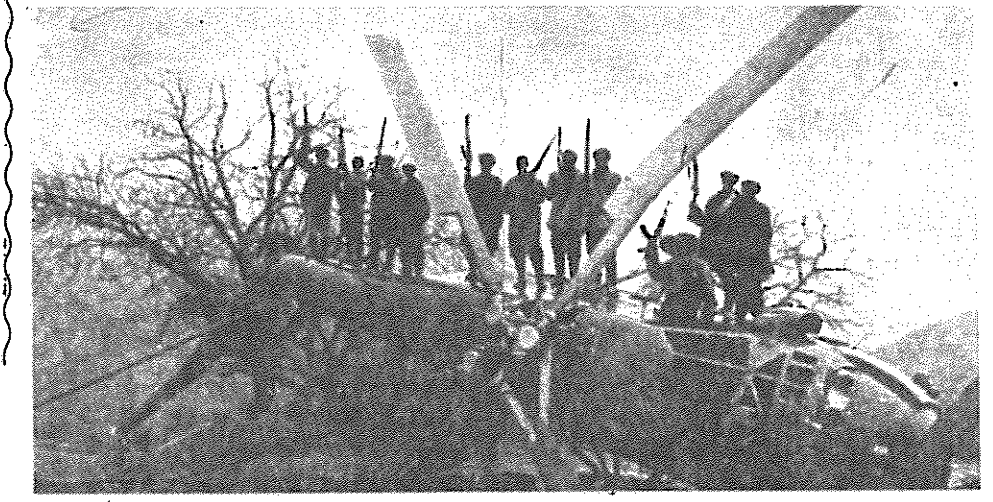
بعد از اینکه مردم چند تا نکر را متصرف کرده و افراد آنها را بیرون کشیدند و روسها را چشم خود مشاهده کردند، بهمه روشن شد. توده ها در این قیام خونین در مقابل رگبار ماشیندانه های (تیربارهای) دشمن، شجاعانه مقاومت مینمودند، مادران مقابل حملات هوایی دشمن، بیشتر جان خود را از دست میدادند. تا ظهر روز ۲۴ حوت، شهر هرات بعمره کشت و کشتار رژیم و سربازان روسی بدل شده بود. مردم قهرمانانه جان بازی میکردند.

جنبش ابتدا از اطراف نزدیک مرکز هرات - ولسوالی های (بلوکهای) "پشتون زرغون" "غوریان" و دیگر قسمت ها - آغاز شده و رفته رفته سرتاسر هرات را در بر میگیرد. وقتی که مناطق پشتون زرغون، غوریان و دیگر مناطق اطراف شهر هرات به کشتار گاه های خونین توسط آدمکشان رژیم بدل میشود، توده های به خشم آمده به مرکز هرات سرا زیر میشوند و اهالی خشمگین مرکز ولایت نیز از جای حرکت میکنند و بدینسان در روز ۲۴ حوت ۱۳۵۷ قیام شورآفرین و ملی توده های هرات علیه رژیم - مین فروش و چاکر روس تره کی - امین آغاز میشود.

تصاویر نور محمد تره کی را هر جا که بدست میآوردند، پائین کشیده و آنرا پاره و لگد مال میکردند. به دفتر کمیته ولایتی حزب ضد خلقی به اصطلاح "خلق" که در تعمیر نوبنائی (ساختمان نوسازی ۱۰۰۰) در شهر نوهرات قرار داشت وارد شده اسناد و کاغذ پاره های آن را به جاده ها ریخته و آتش زدند.

مدیریت اطلاعات و کلتور (وزارت اطلاعات) هرات را به آتش کشیدند. مردم و آن دهقانان که دولت بزع خودش فرمان نمیر (نمره ۸) را برای بهر روزی آنها پیاپی ده کرده بود به دفتر اصلاحات ارضی حمله برده و آن را بجا کستر بدل نمودند. (در این قسمت جمله ای از قلم افتاده) در این حملات از انواع بمها (بمبها) علیه مواضع عساکر (سربازان) و افسران غیور طرفدار مردم، کار گرفته میشد. از استعمال بمهای ضربتی و آتش زا گرفته تا فیرما شیندا رهوایی (آتشبارهای ضد هوایی) به مقدار زیاد. افسران رزمنده ی ضد دولتی به پشتیبانی از مردم، مردمی که با جنبش شورآفرین خود، در این گوشه وطن داشتند حماسه می - آفریدند، مدت شش روز علیه نیروهای دولتی، علیه تجاوز بزرگترین قدرت امپریالیستی

بقیه در صفحه دوم



رزمندگان افغانی سوار بر لاشه هلیکوپتر امپریالیستهای روسی که آنرا سرنگون کرده اند.

نهضت تمام شود رها نیدیکسی از بزرگترین ثمرات انقلاب آزادی بود، ظلم و ختناق چون ماهیتش ضد مردمی است همیشه در جنگ عقاید شکست خورده و مفتضح میشود اینست که رژیمهای مستبد قلمها را میشکنند ودهاها را می بندند و بگوشه ها پندهای سنگین می افکنند اما در یک نظام عادلانه اسلامی نه تنها از آزادی بیان و قلم جلوگیری بقیه در صفحه دوم

فرار سربازان ارتش افغانستان

پیشاور - خیبرگزاری آسوشیتد پرس - هشت سرباز افغانی در حالیکه از زنده بودن خود خوشحال بودند، در یک هتل کثیف گردآمدند و چگونگی تسلیم شدنشان را به شورشیان در مرز پاکستان شرح دادند، یک سرباز ۳۳ ساله افغانی چند ساعت پس از آنکه به اتفاق گروهش، خلع سلاح شد به شهر مرزی پیشاور واقع در شمال غربی پاکستان برده شد و طی مصاحبه ای اظهار داشت: ضمن جنگ یک ساعتی در اومنا (واقع در ایالت جدیدالتاسیس بالتیکا) افسران ما فرا کردند و چهار نفر از ما کشته شد. این زندانیان که موهایشان کاملاً اصلاح کرده بودند و اوراق شناسائی افغانی داشتند، ثابت کردند که حداقل بخشی از ادعاهای چریکها حقیقت دارد. گروههای شورشی مذکور با غرور میگویند که در جهت رسیدن هدفشان یعنی ساقط کردن رژیم یک ساله و طرفدار شوروی پرزیدنت نور محمد تره کی در کابل، در حال پیشرفت هستند. یکی از این سربازان گفت: هنگامی که مجاهدین (جنگجویان مسلمان) فریاد زدند الله اکبر، ما تصمیم گرفتیم که تسلیم شویم. این سرباز که جز لشکر پانزدهم افغانستان بود، مانند سایر سربازان تقاضا کرد که نامش فاش نشود زیرا بیم آن داشت که با شناخته شدن او، علیه اعضای خانواده اش در افغانستان اقدامات تلافی جویانه بعمل آید.

پمپ بنزین ها که در آذربایجان بودند، در آذربایجان مردم به اولین نسخه های کیهان حمله بردند تا حرفشان را بخوانند و کلمات خویش را از کیهان که از خود میدانستند بشنوند. فرمانداران نظامی به روی گروه های مردم که برای خرید جراید از جمله کیهان اجتماع میکردند آتش میگرداند و کسی هیچکس صف را ترک نمیکرد. مردم تشنه ی روزنامه ی خود بودند، روزنامه های که گمان میکردند از آن خودشان باقی میماند. ولی با گذشت زمان، باز دست سا سورجیان، واقعیات را قیچی میکرد، مطالب به زیر سا نسور رفت و اینبار در سمتی دیگر واقعیات دگرگون نمایانده شدند. روزنامه ی کیهان با گذشت زمان به سکوی پخش تبلیغات درجهتی مخالف منافع و مصالح خلق و انقلاب تبدیل گردید، سیل بقیه در صفحه دوم

پیاده روی بازماندگان قربانیان سینما رگس

روز جمعه ۲۱ اردیبهشت تعدادی از بازماندگان شهدای سینمای رگس آبادان دست به یک راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی بیش از ۵۰۰۰ نفر شرکت کردند. شعار آنها این بود: ما بازماندگان شهدای سینما رگس آبادان خواستار تعقیب و مجازات عاملین و مسببین فاجعه سینما رگس آبادان هستیم. - مابه هیچ گروه وابستگی سیاسی نداشته و از دولت انقلابی خواهان دستگیری عاملین کشتار سینما رگس، یعنی شاه خائن ورز می مزدور میباشیم. مسیر این تظاهرات از سینما تا جبهه طرف دادگستری انقلاب اسلامی آبادان بود. در طول راهپیمائی مخابر رنجبر با آقای سازش که نماینده بازماندگان شهدای سینما رگس میباشد، مصاحبه ای به عمل آورد که چکیده مصاحبه از این قرار است: آقای سازش میگوید ما بقیه در صفحه دوم

سه اصل خلق ...

مضمون اساسی این خط مشی را اصول اساسی خلق، یعنی اصل استقلال، اصل آزادی و اصل رفاه خلق و بهبود وضع زحمتکشان تشکیل میدهد.

عدول از این سه اصل در چند ماه اخیر توسط بخشهایی از نیروهای انقلاب، وحدت خلق را دچار اشکال نموده، تلاطم بوجود آورده است و در نتیجه شرایط را برای سوء استفاده امپریالیستها و عوامل آنها فراهم کرده است. امروز ما با مشکلات ناشی از عدم پیروی از مشی عمومی انقلاب یعنی از سه اصل اساسی خلق روبرو هستیم. درست بخاطر اینکه بتوان انقلاب را در مسیر صحیحی ادامه داد، باید روی این اصول پافشاری کرد، تمام احزاب و گروههای ملی باید برای پاسداری از ادامه انقلاب روی این اصول پافشاری کنند و اشتباهات خود را هر چه زودتر تصحیح نمایند. باید روی اصل استقلال پافشاری کرد:

اصل استقلال بمعنی آن است که انقلاب ایران مستقلاً از قدرتهای آمریکا و شوروی پیروز شده و ادامه آن باید همچنان مستقل از آنها باشد. ایران با آمریکا و شوروی نباید ونمی تواند متحد باشد، ایران باید با کشورهای غیر متعهد، با جنبشهای استقلال طلبانهی ضد امپریالیستی و در یک کلام با جهان سوم (کشورهای زیرستم امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین) متحد شود و بهیچوجه دست وحدت را بسوی این یا آن ابرقدرت امپریالیستی دراز نکند و آگاهانه و بطور فعال علیه آنها مبارزه ادامه دهد.

رهبران انقلاب امام خمینی در جریان متلاطم چند ماه اخیر جهت اصلی و اصل انقلاب را محکم گرفته و مردم را به ادامه انقلاب علیه آمریکا و شوروی هدایت نموده است. در یکماه اخیر روی آمریکا بیشتر تکیه شده است با توجه به خطر روزافزون شوروی و وجود ستون پنجم آن چنانچه این تاکید تعادل خود را از دست دهد ممکن است منجر به پائین آمدن هوشیاری مردم در برابر شوروی گردد. اما، یک جریان یکجانبه گرا با بزرگ کردن خطر

که برای تمام مردم ایران از ملیتهای مختلف گرفته تا مذاهب گوناگون، گرفته تا احزاب و سازمانهای گوناگون، آزادی باشد - دیکتاتوری با یعدلیه امپریالیستها بویژه آمریکا و روس و اقشار وابسته به آنها و عمال و جاسوسان آنها اعمال شود. معیار سنجش اینکه علیه چه کسی باید دیکتاتوری اعمال گردد و به چه کسانی آزادی باید داده شود استقلال خواهی است. هر طبقه و قشری که خواهان استقلال ایران است حق دارد رویا بزند آزادی داشته باشد تا در صورت بخاطر هدف استقلال خواهان خود کار و کوشش نماید، در مقابل نباید به طبقه و قشری که وابسته به این یا آن قطب جهانی است و میخواهد ایران را در جرگه امپریالیسم روس و یا با ردیگر زیر تسلط امپریالیسم آمریکا در آورد، هیچگونه آزادی داده

رهبران انقلاب امام خمینی در دفاع از آزادی برای خلق بارها موضع قاطع گرفته و وفق وسیع دموکراسی برای خلق را ترسیم کرده است. اما در عمل مرز بین دوست و دشمن قاطعی شده است، در حق بعضی ها که با یعد دموکراسی اعمال گردد. دیکتاتوری اعمال میگردد و در حق بعضی ها که با یعد دیکتاتوری اعمال گردد دموکراسی داده شده است. این امر ناشی از پیش گرفتن سیاستهای نادرست از طرف ارگانهای قدرت سیاسی، فعال بودن ضد انقلاب در پوشش های روشن نبودن ماهیت سیاسی واقعی نیروهای فعال اجتماعی برای توده های خلق میباشد که البته تا این نیروها ماهیت سیاسی واقعی خود را به توده های خلق نشانسانند احتیاج به وقت بسیار است.

امروزه عده ای زیر پرچم آزادی خود را پنهان کرده و بی شرمانه رهبران انقلاب را دیکتاتور معرفی میکنند! با کدام معیار؟! مگر رهبران انقلاب که موضع قاطع ضد امپریالیستی و ضد دوا بر قدرت آمریکا و شوروی دارند بزرگترین حرکت دموکراتیک را با موفقیت رهبری نکرد - مگر بزرگترین پیروزی نیست که امروز ساواک درهم پاشیده شده است و در صدها اجتماع و روزنامه و نشریه

قیام کارگران ...

مقاله و مطالب در خدمت به همسایه شمالی و بزرگ کردن چهره ی کریمه امپریالیسم روسیه، در تلاش بمنظور بزرگ نمایی اندن کمبودهای انقلاب و قطع ریشهی اعتماد مردم از رهبری و انقلاب اسلامی و در جهت تفرقه افکنی در صفوف خلق و دامن زدن به اغتشاش و ... به صفحات کیهان سر ازیر شد. کلمات و سخنرانیها سا نسور میشود، در متن نشریه ها و خبرها دست برده میشود، حوادث یکجانبه در دیدگاه مردم گذاشته میشود و در یک کلام، کیهانی که سوگند یاد کرده بود و عهد و پیمان بسته بود که با خلق باشد و همگام آنان برای کسب استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی به پیش رود، بصورت سدره مردم در این راه را هییمائی پرافتخار رد آمد.

از دیماه تا پیروزی حق بر باطل در کیهان، بیش از صدها مقاله و مطلب مستقیم و غیر مستقیم بنفع سیاستهای ابر قدرت شوروی و کارگزاران یعنی دارودسته کمیته مرکزی حزب توده در روزنامه های کیهان درج شد. تبلیغ سموم فکری ابر قدرت شوروی و مدافعین آن یک طرف سکه بود و سا نسور مطالب ملی و ضد امپریالیستی طرف دیگر، مثلاً ما امام خمینی به کانون نویسندگان را که در آن صریحاً میگویند "آمریکا و شوروی میخواهند در مورد اخلی ما دخالت کنند، حتی پیغامهایی فرستادند و نشرها زدند که ما را عقب بنشانند، لیکن ما عقب ننشستیم ... سا نسور میکنند ولی از نوشتن پیامهای دارودسته کیا نوری از پارسیس و برلن غربی و شرقی در صفحه اول کوتاهی نمی کنند، (۲۴ بهمن).

در مقابل کلیه ایی سیاستها و خط مشی های ضد انقلابی، کارگران و کارکنان میهن پرست و انقلابی کیهان به شورای تحریری مرتباً گوشزد میکردند که قلم خود را در جهت خواستهای اکثریت خلق بکار نندازد، خواست ملت را منعکس کند ولی گوش شنوایی پیدا نمی شود و قبت با وقوع انقلاب ضد سا نسور در کیهان به کار آنان که برخلاف انقلاب حرکت میکردند یا ن داده شد و کیهان بهمت کارگران و کارکنان انقلابی این مؤ سه مطبوعاتی در روز

گزارشی از قیام ...

جهان در وطن ما، در نبرد بودند. بالاخره با دادن قربانی های زیاد و موقتاً دست از مقابل کشیده در میان مردم پناه بردند. از تلفات آمار دقیقی بدست نیست ولی حدس عمومی بر آنست که درین نبرد میهن پرستانه شش روزه بیشتر از سی هزار نفر از مردم شریف و نظامی های وطن پرست بقتل رسیده باشند.

درین پیکار غریبونده توده ها از جانب دشمن افراد حزبی و سازمانی دولت، افراد و کارشناسان روسی به تعداد زیادی کشته شده اند. دوتا تک آتش زده شد، سه طیاره: یکی هلیکوپتر، یکی "میگ ۲۱" و یکی جت جنگی، توسط مردم و افسران وطن پرست از بین برده شد.

بیاده روی ...

شهادی بسیار دادیم که تمام اندیشه های سیاسی بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند. وی افزود از آنجا نیکه مکرراً گفته ام تمام گروههای سیاسی میبایستی آزادانه به فعالیت سیاسی خود که همانا حفظ استقلال میهن میباشد اقدام کنند و دهند ولی از طرف عناصر فراطبی برجست کمونیست به ما میزنند، ما از این برجست ها هیچگونه هراسی نداریم. آقای سازش از ما خواستند که نظر ایشان را در روزنامه رنجبر منعکس کنیم.

در مقابل دادگستری قطعنامه ای خوانده شد. سپس آقای زرگر (دادستان انقلاب اسلامی آبادان) برای مردم صحبت کرد و آنها را دعوت به صراحتی نمود. مردم گفتند ما فقط خواستار مجازات مسببین هستیم.

در قطعنامه، مردم خواستار مجازات عاملین شده اند و همچنین در قسمت دیگری از قطعنامه گفته شده: آن گروههای سیاسی که وابستگی به کشورهای بیگانه نداشته باشند، درجا رجوع استقلال میهن باید آزادی داشته باشند. در خاتمه آقای سازش تاکید کردند که ما برای آزادی و استقلال میهن شهید دادیم.

بیانیه گروهی ...

نمیشود بلکه چون نظام، نظام مردمیست و در جهت رشد و تکامل توده های تحت ستم قدم برمیدارد، آزادی بیان و قلم را بعنوان وسیله ای بسیار مهم در جهت پویائی این جامعه می پذیرد، مجلات و روزنامه های مختلفی که در این مدت قدم به عرصه نهاده اند احزاب مختلفی که یکی پس از دیگری اعلام موجودیت کرده اند نشان دهنده آزادیست اما مسئله اینست که امپریالیسم آمریکا که منافعی نظامی، اقتصادی و استراتژیکی بسیار مهمی را از دست داده است، حال ساکت می نشیند؟ آیا امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و صهیونیسم نمیتوانند از این آزادی گرانبهای که بقیمت خون سرخ جوانان بدست آمده است برای درهم کوبیدن انقلاب و برای نابودی نهضت استفاده کنند؟ چرا

و بخوبی با تفرقه انداختن در میان ملت ایران ما می بینیم که این روزنامه های مختلف با کمال وقاحت بنفع امپریالیسم شرق و غرب وارد عمل میشوند و با اینکه دائم ادعا میکنند که ما بی طرفیم و سخنان همه گروه ها را منعکس میکنیم، اما در عمل می بینیم که با کمال بی شرمی فقط نظریات نفاق افکنانه گروه های را که در انقلاب هیچ نقشی نداشته اند بخوبی منعکس میکنند و میگویند سخن گوی انقلاب هستیم، انقلاب را این توده های محروم به رهبری امام و با پشتوانه اسلام و با کمک روحانیت مترقی به پیروزی رسانند، شما کجا از انقلاب اصیل اسلامی و از عوامل به پیروزی رساننده آن سخن گفتید؟ اینان که تا دیروز در خدمت استبداد بوده اند اینک نیز از تمام مهارتهائی که در این مدت طولانی بدست آورده اند علیه این انقلاب و بنفع استبداد کمک میجویند آیا شهیدانی که با خون پاکشان نهضت را به پیروزی رسانده اند شما را میبخشند؟ آیا شما در برابر انسانهای پاک که شدیدترین شکنجه ها را تحمل کرده و لب از لب نگشوده اند مسئول نیستید؟ در این میان رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی که با مبارزات مستمر و خستگی ناپذیرش

برابر شوروی گردد. اما، یک جریان یکجانبه‌گرا با بزرگ کردن خطر آمریکا تلاش میکند شوروی را کما ملاینها ننگهدارد تا چشم نخورد. دارودسته‌کیا نوری از این حرکت یکجانبه استفاده کرده دهها روزنامه و نشریه به سودا بر قدرت سوسیال امپریالیستی شوروی براه انداخته تا افکار عمومی را برای تسلط شوروی بر کشورمان تدارک ببینند. میدان دادن باین یکجانبه‌گرایی، جلوگیری نکردن از پخش وسیع نظرات زهرآلود بسودا بر قدرت شوروی و یا جواب نگفتن بآنها بطور همه‌جانبه، انحراف از خط مشی عمومی انقلاب است و چنانچه ادامه یابد به انقلاب زیان خواهد رساند.

درست بخاطر اینکه آمریکا در میان مردم مابی آبروسنت و شوروی ناشناخته، درست بخاطر اینکه آمریکا ضربه خورده و شوروی حرکت صعودی داشته و قدم بقدم مواضعی در ایران کسب نموده است باید بخاطر شوروی برای استقلال ایران بطور جدی برخورد کرد و بهیچوجه نسبت بان خیال واهی به سر راه نداد.

عبدالناصر مبارزه‌ی بزرگی را بر علیه امپریالیسم انگلیس فرانسه و صهیونیسم و سپس امپریالیسم آمریکا انجام داد اما بعدا به شوروی متمایل گردید، نتیجه چه شد؟ خاورمیانه نه تنها از یوغ آمریکا و صهیونیسم نجات نیافت بلکه راه برای شوروی هموار گردید. سادات برای تصحیح اشتباه عبدالناصر اولین گامهای استقلال را برداشت و ۱۵۰۰۰ مستشار نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد ولی بعدا راه خلاف را در پیش گرفت و بجای وحدت با کشورهای دیگر عرب واتکاء به خلقهای عرب راه اتکاء به آمریکا را برگزید.

امروزه در هیچ جای دنیا نمیتوان سیاستی مستقل داشت مگر اینکه علیه آمریکا و شوروی مبارزه کرد.

استقلال در کشور ما یعنی استقلال از آمریکا و شوروی، تنها استقلال از یکی، استقلال واقعی نیست.

اصل آزادی، بمعنای آنست

درهم پاشیده شده است و دهها وصدها اجتماع و روزنامه و نشریه در سراسر کشور آزادانه برپا میگردد و چاپ و پخش میشوند؟

آزادی مطلق مفهومی ندارد، آزادی وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف - دموکراسی هیچگاه هدف نبوده است و هر کس گه ادعا کند یا نا آگاه است یا حقه باز.

آزادی در مشی اساسی انقلاب، خدمت به مین و ایران میباشد.

آزادی تنها در این چارچوب مجاز بوده و قابل اجراست، در حالیکه آزادی بخاطر خیانت و بخاطر خدمت به امپریالیسم توطئه است و باید از آن جلوگیری کرد. مطبوعات که بطور آشکار بسودا آمریکا و شوروی تبلیغ میکنند و روحیه وابستگی بانها را ترویج میدهند، از آزادی سوء استفاده کرده و بسودا ربا بان خود تبلیغ مینمایند.

آزادی امروزه از دو طرف مورد تجاوز و حمله است، از یکسو از طرف نیروهای طرفدار بر قدرت شوروی که بسودا دشمن خطرناک استقلال مینمایند و دیگری از سوی سرسختان ضد کمونیست که دارای خصلت دوگانهاست، از یکسو ضدا امپریالیسم روس هستند و از سوی دیگر با حرکت قشری خود اساسا با هرگونه عقیده‌ای جز عقاید خود مخالف میباشند. این دسته هم بی پروا گردیده بر قدرت دیگر دیرپا زود خدمت میکنند و آنها هم ضدا آزادی اند و در آزادی - برای خلق اخلال مینمایند.

در اینجا باید از روحیه انحصارگرا نه اقشار حاکم سخن گفت، در بین جناح‌های حاکم رقابت بر سر قدرت حاکم در چند ماه اخیر گسترش یافته و این خود یکی از علل بحران سیاسی موجود میباشد و جدال و تفرقه آنها بی شک بسودا انقلاب نبوده و امپریالیستها از آن بهره خواهند گرفت، این اختلاف سیاسی موجود اساسا انعکاسی از جدال بین سرمایه بزرگ و متوسط و سرمایه کوچک است. سرمایه‌داری بزرگ و متوسط که بر قدرت است برای قبضه کردن قدرت تلاش میکنند و سرمایه کوچک که از تسلط آن بی‌مناک

بهمت کارگران و کارکنان انقلابی این موء سه مطبوعاتی در روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت منتشر گشت.

ما به گفتگوی تنی چند از کارگران و کارمندان کیهان نشستیم و بر اساس این گفتگو به شرح مختصر وقایعی که در کیهان اتفاق افتاده است میپردازیم:

بعد از اینکه کیهان پس از اعتصاب دو ماهه خود مجددا منتشر میشود و چنانچه گفتیم برخلاف خواست اکثریت کارکنان این موء سه مطبوعاتی بزرگ، به اعمال سانسور و ارونه جلوه دادن واقعیات دست میزند، کارگران و کارمندان کیهان بدلیل مسئولیت است مقاومت مینمایند.

طبعاً بخاطر مصالح ملی سرمایه‌ی متوسط، باید با کوچک متحد شود و متحد با سرمایه بزرگ مبارزه کرده و آنها را هدایت کند، تصادم آنها وضع ناهنجار اقتصادی کنونی را بی سروسا مانتر میسازد و هر چه مرج رادامین میزند و نتیجه بسودا بر قدرت تمام خواهد شد و با لاجبار بخشی از این سرمایه‌ها بسوی آمریکا و بخشی دیگر بسوی روسیه خواهند رفت.

ما امروزه شاهد این تقسیم بندی در جهان عرب هستیم و باید دید از این رخداد اجتناب کنیم.

اصل بهبود وضع زحمتکشان و رفاه برای خلق:

بمعنی آنست که انقلاب جای ویژه‌ای به امر بهبود وضع زحمتکشان دهد، نه بصورت دادن اعانه و قرضه، زحمتکشان عموماً دارای طبع بلندخا می هستند، آنها بر با زوی توانای خود تکیه میکنند، در نتیجه باید قدم به قدم چرخهای اقتصاد را بسودا آنان بکار انداخت، کار برای بیگاران بوجود آورد، به اصلاحات عمیقی بسودا آنها در اقتصاد دجا معه دست زد، از کارگران در برابر تجار و زانحصارگران بویژه انحصارگرانی که سرمایه آنها بسودا امپریالیسم عین شده و یا سرمایه داری دولتی دفاع نمود، از مبارزه دهقانان علیه ستم‌شدید و استثمارگران پشتیبانی کرد و بطور قاطع از شعار "زمین مال

کردند که ما برای آزادی و استقلال مین شهید دادیم.

راهیمانی با این شعار خاتمه یافت: "فاجعه آبادان، مادر انقلاب است".

بزرگی که در قبال مردم ایران و انقلاب اسلامی ایران احساس میکردند با رها دست با اعتراض به درج مطالب غیر واقعی و غیر متعهد میزنند و به شورای تحریری گوشزد میکنند و میگویند ما خمینی‌تاکید کرده اند که مطبوعات باید در نظر گرفتن جویدید آزادی قلم در مسیر انقلاب و مطابق تمایلات مردم انقلابی ایران قلمفرسائی کنند و شما این نصیحت و ارشاد امام را بقیه در صفحه چهارم

دهقانی است که روی آن کار میکنند دفاع نمود، چنانچه انقلاب نتواند بوضع ناهنجار زحمتکشان پاسخ مثبت دهد، آنها که نیروی لایزال انقلاب و ما من اساسی استقلال و آزادی ایران میباشند، منفعل شده و چه بسا در مخالفت با انقلاب برخیزند، در چنین شرایطی است که زمینها ایجا دتفرقه و نفاق در صفوف خلق از طرف امپریالیستها فراهم میشود تا جریان امور را بسودا خود بچرخانند.

در چنین زمان حساسی در کشور مسئولیت بزرگ بعهده اقشاری است که قدرت سیاسی را بر کف گرفته اند. روحانیون و نیروهای استقلال خواه که در مرکز این قدرت اند باید به مسئولیت بزرگ خود عمل نمایند، روی مشی صحیح انقلاب که بر پایه سه اصل اساسی خلق، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی بنا شده است، با فشاری کننده و از هرگونه انحراف که ناشی از کوته نظری و جاه طلبی است دوری گزینند.

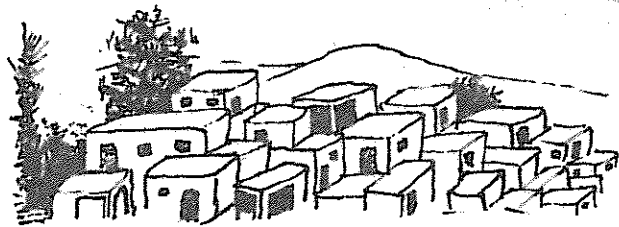
خطر کم نیست، باید هوشیار بود، باید اتحادها را بزرگ نمود، صفوف خلق را گسترش داد، میان تضاد دشمن و خلق و تضاد بین خلق تمایز دقیق قائل شد و صف بندی خلق وضد خلق را باید اساسی دانست و تمام نیروهای مثبت خلق را بکار انداخت تا وحدت استحکام یابد، به قدرت خلق افزون گردد تا ایران گورستان دشمنان انقلاب شود.

بزرگ انقلاب اما خمینی ده سال مبارزات مستمر و خستگی ناپذیرش و با خون دل فرزندهایش نقش بسیار مهمی در این نهضت ایفا کرده است و نقش بسیار مهمی که آیتک در ادامه انقلاب دارد که هیچکس نمیتواند آنرا انکار کند آیا حق ندارد بگوید من فلان روزنامه را نمیخوانم؟ آیا ما ملت مسلمان ایران در این میان بیایستی ساکت بنشینیم تا امپریالیسم وسیله مزدوران داخلی انقلاب را به یاری بگیرد و روحیه یاس و ناامیدی در مردم بپراکند و زمینه را برای بازگشت استبداد فراهم نماید؟ آیا با زنده‌ای حق دارند باسم مقدس آزادی از این روزنامه‌ها و مجلات ننگین که نقشی جز ضربه زدن به نهضت ندارند دفاع نمایند؟ یا در هیچ جای دنیا از خیانت و توطئه ننگین نامه‌ها دفاع میشود؟ عمل امام و خط مشی او مورد تأیید و پشتیبانی کامل ماست بنظر ما خط مشی این روزنامه‌ها شایسته ادعا میکنند در جهت خواسته‌های مردم که میکنند و گروه خاصی با یستی توده‌های چند میلیونی مردم مسلمان تعیین کنند و نسه عده‌ای مزدور که مستقیم یا غیر مستقیم برای چپ و راست کار میکنند، عمل کارکنان شریف و مسلمان کیهان که نتوانسته اند ننگ خدمت به روزنامه‌ای که در جهت منافع ضد خلق کار میکنند بپذیرند و لذا خروشیده اند و سربزه اعتراض برداشته اند مورد تأیید ماست، ما حمایت کامل خود را از کارگران و کارمندان غیور و مسلمان کیهان که با این عمل انقلابی و قاطعانه خود روزنامه را از جنگ عده‌ای مزدور و سرسپرده در آورده اند اعلام میداریم و هوشدار میدهیم که عوامل مختلفی میکوشند کارمندان و کارگران شریف کیهان را از این قاطعیت انقلابی با زدن و آند آنها را به سازش و تسلیم با مزدوران معلوم الحال وادارند و دولت با یستی از خواست کارگران و کارمندان کیهان که خواست اکثریت ملت و خواست امام است پشتیبانی نماید و به نفع معدودی وارد عمل نشود.

گروهی از طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۵۸/۲/۲۸

در روستاها

به خواستهای اهالی عین دو توجه کنید



گزارشی از: طاحون آباد همدان

خواستهای دهقانان گلگاه

دهقانان که فعالیت چشمگیری در انقلاب اسلامی میهنمان بویژه در مراحل آخر آن داشتند با بثمر رسیدن آن حرکت جدیدی را علیه ستمهایی که سالیان در آواز طرف رژیم سابق واریابان به آنها وارد می آمده آغاز کرده اند و خواستهای بحق خود را مطرح می نمایند. نکات زیر گزارشی است از خواستهای اساسی دهقانان گلگاه:

* گرفتن وام بدون بهره: این خواست اکثر دهقانان فقیر است. لغو تعهدات مالی: در بخش گلگاه طبق گفته مسئول اداره کشاورزی، دهقانان حدود یک میلیون تومان به شرکت تعاونی بدهکارند و تاکنون فقط ۳۰ هزار تومان از این مبلغ پرداخت شده و اکثر دهقانان میگویند پول ندارند و خواستار لغو این بدهکاریهها هستند.

* تغییر نرخ خرید محصولات: دهقانان: در سالهای اخیر نرخ کلیه عوامل تولید از قبیل کود شیمیایی، بذر، مواد سمی، کرایه تراکتور و کمپاین و در مورد دهقانان میان حال مزدکار رگران کشاورزی سیر صعودی کرده در حالی که قیمت خرید محصولات دهقانان تقریباً ثابت مانده است.

* ضمانت دولت به دهقانان که از طریق کشاورزی بتوانند چرخ زندگی خود را به گردش در آورند: غیر از دهقانان مرفه، سایر اقشار دهقانی با تکیه به افراد خانواده خود، از کودک تا پیرزن و پیرمرد، تولید کشاورزی را جلودار میگردانند. نداشتن دورنمای روشن برای اینگونه خانوادههای فقیر و میان حال باعث میگردد، دنبال فرصت بگردند تا از طریق دیگری امرار معاش نمایند، لذا به کشاورزی لطمه وارد میآید.

* نوعی بیمه بازنشستگی برای دوران کهولت و از کار افتادگی. * بیمه درمانی: دهقانان میگویند در صورتی که فردی از افراد خانواده مریض شود باید پول محصول یکسال خود را بابت درمان او خرج نمایند.

خواستهای دهقانان گلگاه بخش از خواستهای تودههاست.

گزارش زیر را یکی از خوانندگان رنجبرد در باره ی ده طاحون آباد همدان برای ما فرستاده است که گویای اعتماد زحمتشان به انقلاب اصيل ملی و اسلامی ایران و خواستهای بحق آنان از دولت ملی آقای بازرگان است. این خواننده مینویسد:

"خلقهای بیخاسته ایران تحت رهبری امام خمینی پیروزی رسیدند و همهها نظیر که امام خمینی گفتند، ماهنوز در نیمه راه هستیم و راه پرپیچ و خمی در پیش روداریم. دشمنان انقلاب هنوز هم در میان ملت مشغول ضربه زدن به انقلاب هستند، آنها در لباسهای رنگ برنگ هستند. آنها که منافعشان در خطر افتاده نمیتوانند در روی انقلاب اسلامی ما قرا بگیرند، از این نظرها ز راه دیگری میخواهند به انقلاب و خلق ما خنجر بزنند. یکی از این افراد، مالک ده طاحون آباد فوئدال و رئیس سابق شیروخورشید استان همدان است، زمانی که در صدر کار بود میلیون ها تومان این ملت را به جیب زد (حتی کلاه سرکار مندان با شرف بانک خون گذاشت) این مالک امروزه در میان دهقانان میخواهد تفرقه بینا ندازد. داستان از این قرار است.

ما اهالی طاحون آباد ۲۵ سال است که رو این زمین هستیم، زحمت کشیدیم، جوان بودیم، روی همین زمین پیر شدیم. مالک ده یک قطعه زمین ۷۰۰ هکتاری را به قیمت ۱۵۰ هزار تومان خریدیم ولی تا بحال سند را بمان نداده است، در همان سند چهار نفر که یکی از آنها پندرخود مالک است امضاء کرده ولی او از طریق ساقا واک این سند را در زمان طاغوت از میان بر آورده در آورده است. قبل از انقلاب، مالک در غیاب اهل ده دادگاه تشکیل داد. بدون اینکه حتی اهالی از دادگاه باخبر باشند و کسی از اهل ده در این دادگاه باشد، دادگاه همدان هم قریه طاحون آباد را محکوم نمود حال این مالک و میاشاه، بیول

کشت و صنعت پسیخان

پس از به ثمر رسیدن انقلاب تعدادی از شرکت های کشت و صنعت که توسط امرای ارتش و وابستگان رژیم سابق ایجاد گردیده بود، با فرار این افراد، بجا مانده است.

در استان گیلان عده ای بخاطر حفظ و نگهداری و جلوگیری از تخریب و تصرف آنها بعنوان منابع ملی، با کوشش شبانه روزی و کار توضیحی به دهقانان و اهالی، که این شرکتها ثروت همه ی مردم ایران و متعلق به تمام ملت است و دیگر اموال وابستگان رژیم سابق و تیمسارها نیست و دولت آنها را ملی خواهد کرد، از تصرف آن بوسیله دهقانان و اهالی جلوگیری نمودند. اما متأسفانه پس از چندین ماه صاحبان این شرکت ها سرا سوراخ بردارده و دارند دوباره صاحب شرکت میشوند. بطور نمونه:

شرکت ماهی گوشت: شرکت فوق توسط تیمسار رزم آرا، تیمسار رئیس زاده، رئیس بازرسی شاهنشاهی و تعدادی دیگر جهت پرورش ماهی با مساحت ۵۴ هکتار در پسیخان رشت تشکیل شده بود. پس از پیروزی انقلاب این افراد متواری شدند. زار عین محل که معتقد بودند این شرکت اراضی آنها را بزور تصرف کرده است و کارگرانی که چندین ماه حقوق نگرفته بودند با این استدلال که اینها سرمایه ملت است و نباید استخرها تخریب و تاراج شود، از تصرف این واحد اقتصادی و تخریب آن صرف نظر نمودند. لیکن حال پس از دو ماه شرکای شرکت با حذف نام تیمسارها از لیست شرکا؛ بازگشته اند و از طرف دولت نیز مجوزی جهت بهره برداری گرفته اند. افرادی که با حسن نیت و در نظر گرفتن اهداف ملی از این مراکز نگهداری کرده اند، در حال

کردن زمینها، چیزی که هنوز پس از گذشت یکماه صورت نگرفته است.

زنان و بخصوص دختران قریه بعلت سوء تغذیه و عدم بهداشت و کار طاقت فرسا، به پیروی زودرس دچار میشوند. اکثر بچه ها به انواع بیماریهای پوستی نظیر "کچلی" و "دمل" در سرو بدن مبتلا هستند. یکی از اهالی تعریف میکرده که چون برای آوردن آب مجبور است دختر بچه ۱۰ ساله خود را بفرستد، حدود دو ماه پیش دختر بچه او، هنگام طی کردن عرض جاده آواز سوسنگرد که گذرازان برای آب برداشتن اجباری است، با ماشین تصادف میکند و در نتیجه استخوان پای بچه اش خرد شده است. اهالی همچنین از کدخدای ده شدیداً ناراضی هستند. کدخدا با همدستی پسران خود و چند نفر دیگر که همگی مسلح اند اهالی را مورد ضرب و شتم قرار داده و از آنها اخاذی میکند و همچنان به زورگویی مشغول است. بطور مثال کدخدا اهالی را تهدید کرده است که برای استفاده از نهر کوچک آب، هر خانواده باید ۵۰ تومان بپردازد، در غیر این صورت او سرچشمه آب را کور میکند، یا از دادن سندهای مالکیت زمین های فروخته شده به اهالی خودداری مینماید. اهالی اظهار میدارند که کدخدا وقاحت را بجائی رسانده که کمیته امام را تعطیل کرده و هنگام اخذ رای برای جمهوری اسلامی صندوق آراء را زد زده است. کمیته امام در شهر آواز هنوز نسبت به دستگیری مسببین این حوادث اقدامی انجام نداده است. خواستهای اهالی را میتوان بطور کلی به شرح زیر بیان داشت، آنها مصمم بودند در تماس با فرماندار این خواستها را با اطلاع او برسانند:

- ۱) تامین آب تمیز و بهداشتی.
- ۲) تامین برق بمقدار کافی.
- ۳) رفع ستم کدخدا و عمالش.
- ۴) ایجاد حمام و درمانگاه.

روز پنجشنبه ۲۷ رديبهشت ماه عده ای در حدود ۵۰ نفر از اهالی قریه "عین دو" از حومه شهر آواز بخاطر عدم رسیدگی مسئولین نسبت به وضع رقت بار آب مصرفی و آشامیدنی اهالی این قریه و ستمهایی که از طرف کدخدا به آنها روا میشود به اداره بهزیستی و فرمانداری شهر آواز مراجعه کرده بودند.

قریه "عین دو" در حومه شهر آواز و تقریباً در ۲ کیلومتری شهر واقع شده است. جمعیت دهکده در حدود ۳۵۰ خانوار است که تماماً کارگرند. این کارگران در شرکتها، و یا کارخانه های واقع در آواز و حومه آن کار میکنند و اکثریت آنان عرب هستند. اهالی دهکده از ما محتاج اولیه و ضروری زندگی مانند آب، برق کافی، بهداشت و ... محرومند. مصرف آب اهالی از تنهانه کوچک که آنها از نهر اصلی آبیاری باغها منشعب کرده اند تا مین میشود. غیر از این نهرانشعابی، اهالی برای تامین کمبود آب مصرفی خود از چند حلقه چاه کم عمق که با سطل از آن آب بیرون میکشند استفاده میکنند. در دوره رژیم سابق بکمک کدخدای قریه، از اکثر خانواده های قریه هر کدام مبلغ ۵۰۰ تومان اخاذی شد تا از طریق نصب یک دستگاه تانکر آب و لوله کشی کردن قریه، آب مصرفی اهالی تامین گردد. این اقدام مانده همه قول و قرارهای عوامل رژیم سابق به نتیجه نهای نرسید و هنوز تا نگر آب بلا استفاده در ده موجود است و این در حالی است که یک شاه لوله آب تصفیه شده شهری از کنار همین قریه میگذرد و مصرف آب زاندارمری منطقه را تامین میکند.

بعد از انقلاب اهالی برای استفاده از شاه لوله آب ابتدا به مسئولین زاندارمری منطقه و سپس به اداره بهداشت و بهزیستی روانه شده اند و پس از گرفتن این قول که ظرف ۲ روز مقدمات مسئول نسبت به اتصال شاه لوله به لوله اصلی قریه اقدام خواهند

مستقل نسبت به اتصال شاه لوله
به لوله اصلی قریه اقدام خواهند
(۳) رفع ستم کدخدایان و عمالشان
(۴) ایجاد حمام و درمانگاه.

خواستههای کارگران کشاورزی شرکتهای زراعی دزفول

در اطراف دزفول ۲۱ شرکت
سهای زراعی و کشت و صنعت خارجی
وجود دارند که بیش از ۲۱ هزار
هکتار زمینهای زیرکشت را بخود
اختصاص داده اند.

این شرکتهای در دوران سیاه
رژیم سابق، با کمک مستقیم آن
و با خراب کردن دهها روستا و
آواره کردن هزاران هزار نفر از
دهقانان زحمتکش و غصب زمینهای
آنان بوجود آمدند. بخشی از این
دهقانان چپاول و رانده شده
اجباراً بصورت کارگر کشت و زری به
استخدام این شرکتهای درآمدند.
اکنون بخش اعظم این کارگران
کشاورزی (بیش از ۶۰٪) خواهان باز
پس گرفتن زمینهای خود هستند.
آنها از دولت ملی حمایت کرده و
حاضر به همکاری با آن هستند و
لیکن عمال رژیم سابق و مزدوران
شرکتهای خارجی زراعی که در کمیتهها
نفوذ کرده و خرابکاری میکنند، از
انجام خواستههای بحق این
کارگران جلوگیری مینمایند.

ما ضمن پشتیبانی از این
خواستههای بحق کارگران کشت و زری
و دهقانان شرکتهای زراعی دزفول
متن نامه آنها را به مسئولین
امرو خواستههایشان را در زیر درج
میکنیم.

بسمه تعالی

آقای مهندس شایر رونی ریاست
محترم طرح آبیاری دز
ما کارگران کشت و زری فعلی
وروستایان ستم دیده سابق، اینطور
که همدوش برادران شهری و تحت
رهبری امام خمینی رژیم طاغوتی
را سرنگون کردیم، مصمم به ساختن
ایرانمان هستیم، ایرانی که به
وسیله رژیم طاغوتی و امپریالیستهای
رنگارنگ بویرانهای تبدیل شده.
بشکرانه انقلاب اسلامی
وهوشیاری رهبران انقلاب ما امام
خمینی وتوجه ایشان به مسئله
کشاورزی که یکی از مسائل مهم
مملکتی است، ایران ما قسار
خواهد شد، در جهت ایرانی مستقل

ومتکی بخود پیش رود، البته با
برنامه ریزی درست دولت انقلاب
اسلامی تحت رهنمودهای امام
خمینی ما کشت و زری را قدا خواهیم
بود به کشت و زری آزاد تبدیل
شویم، تا کشت و زری نابود شده را
دوباره زنده کنیم. این را وظیفه
میپسندیم خود میدانیم. مسئله کشت و زری
واقتصاد کشت و زری پایه و اساس
اقتصاد ایران است، چنانچه پایه
اقتصاد ایران را بسا رژیم استقلال
ایران تاء مین خواهد شد.

ما کشت و زری شهرک خمینی
همه را با دیگر برادران کشت و زری
خواهان دریافت زمین هستیم تا
بتوانیم خلافت خود را بکار برده و
همدوش زنان و بچههایمان روی
زمینهای خود را از طرف دولت به ما
واگذار خواهد شد، کار کنیم و قسمتی
از محصولات غذایی حداقل منطقه را
تا مین کنیم و خود نیز جزئی از آنها
خواهیم بود.

در حومه شهرستان دزفول اطلاع
دارید که تعدادی شرکتهای خارجی
وجود دارند، این شرکتهای بوسیله
سیاستهای رژیم فاسد طاغوتی،
کشت و زری ما را نابود کردند، و ما
را نیز بی خانمان ساختند. پس
از انقلاب تعداد زیادی از ما بیکار
شده ایم، و بقیه در همین شرکتهای
مشغول هستیم. اشتغال مادران این
شرکتهای، از طرفی بخاطر مزار
معاش است و از طرف دیگر آگاهانه
جلوگیری از خراب شدن و تلف شدن
محصولات کاشته شده بوسیله این
شرکتهای که در کنترل دولت انقلابی
هستند، هستیم.

امیدواریم دولت انقلابی
اسلامی و همچنین سازمان آب و برق
خوزستان به درخواستهای بحق ما
وپیشنهادات ما، انقلابی اقدام
نمایند.

درخواستها و پیشنهادات ما:
۱- ما از دولت انقلابی اسلامی
آقای مهندس بازرگان خواهان
زمین هستیم.

۲- واگذاری این زمینها بما

نظر گرفتن اهداف ملی از این
مراکز نگهداری کرده اند، در حال
حاضر بسیار ریشیمان و نادم هستند
و میگویند کاش پایمان میشکست
و کارها برای حفاظت این منابع
برای ملت، موجب حفظ و منافع
افراد مثل این آقایان نمیشد
و تا روزی که این شرکت و سایر
شرکتهای کشت و صنعت این چنانی
ملی نشوند خودمان را نخواهیم
بخشید.

ما ضمن پشتیبانی از حقوق
دهقانان و کارگران اینگونه
شرکتهای معتقدیم که برای حل
چنین مسائلی باید دهقانان و
کارگران در اتحادیههای مربوط
به خود متشکل شده و در وحدت
فشارده با یکدیگر و با همکاری
دولت، حقوق غصب شدهای خود را
بدرست آورند.

از نظر ما ملی کردن اینگونه
شرکتهای، بمعنای دولتی کردن
آنها، در تمام موارد کار درستی
نیست، بلکه باید اینگونه زمینها
به صاحبان اصلی آنها یعنی
دهقانان بازگردانده شود و بسا
کمک دولت روشهای مناسبی برای
بهره برداری جمعی و یا فردی آنها
اتخاذ گردد.

با یدعا دلانها باشد.

۳- انحلال کامل شرکتهای خارجی.
۴- جلوگیری از واگذاری زمینها
به افراد غیر محلی.

۵- جلوگیری از تصرف زمینها
(که به اشکال مختلف صورت میگیرد)
از طرف شرکتهای ذکر شده.

۶- پرداخت وام - کود - بذر -
آب بما کشت و زری تحت ضوابط
عادلانه ای که از طرف دولت مقرر
خواهد شد.

۷- نوع محصولات کشت ما بطور
عمده گندم - جو - برنج و حبوبات
است.

ما نیز پیشنهادات دولت
آقای مهندس بازرگان را در زمینه
کشت دیگر محصولات کشت و زری پذیرا
هستیم. در خاتمه با نظرات خود
همبستگی خود را در حرف و مصمم در
عمل به جمهوری اسلامی تحت
رهبری امام خمینی مجدداً تاکید
و منتظر اقدام انقلابی مسئولین
هستیم.

با دروهای فراوان.

قریه طاحون آب در محکوم نمیشود
حال این مالک و مباحثه، پول
آن ۳۵ سال را از اهل ده میخوانند
یعنی اینکه ما هر چه داریم
بگذاریم و از این ده مان فرار
کنیم.

حال که انقلاب ما پیروز
شده و امام خمینی هم گفته اند
کشت و زری با پیدا مسال کوشش کنند
که دیگر برای گندم دستمان را
جلوی خارجیها دراز نکنیم.....
این مالک کشت و زری را
توی دادگستری همدان و سیلان
کرده. حتی او را فرستاده ای
از تفنگ چیان را به کوه فرستاده و
هر لحظه که ما برویم روی زمین به
طرف ما تیراندازی میکنند و حاصل
ما هم همینطور در بیابان بدون
صاحب مانده و از طرف دیگر مالک
اهالی ده حیران را هم بر علیه ما
می شوراند که بروید زمینها را
بگیرید، من پشت شما هستم و با این
کارش میخواند برادر کشتی میان
دو ده راه بیاندازد. ما به کمیته
امام خمینی همدان هم شکایت
کرده ایم ولی پادمان نمی رسند.
ما که در این ده نه آب داریم، نه
برق داریم، نه بیمارستان، حال

گزارشی از روستای «گویم» (فارس)

مبارزه ای را علیه این زمین خوا
بزرگ آغاز کرده و از جمله
چاههای آب او را با سنگ پر کرده اند
خواست دهقانان اینست که هر چه
زودتر تقسیم اراضی انجام گرفت
و به خود سربهای حاجی فتحعلی پایا
داده شود.

ما از مبارزه دهقانان "گویم"
برای بدست آوردن حقوق حقه خود
با تمام نیرو پشتیبانی میکنیم و
از کمیته امام میخوانیم که هر چه
زودتر به وضع دهقانان رسیدگی
کند. البته خواست دهقانان "گویم"
خواست اکثر دهقانان مناطق فارس
است زیرا در جریان اصلاحات ارضی
آنها بی پول داشته اند و با دادن
رشوه و شریک نمودن بوروکراتها
بهترین و بیشترین زمینها را
بدست آورده اند در صورتیکه
بدترین و بی آب ترین زمینها
به دهقانان فقیر تعلق گرفته است

ده "گویم" در سه کیلومتری
شیراز بین شیراز و اردکان فارس
قرار دارد.

شخصی بنام حاجی فتحعلی
در جریان اصلاحات ارضی اکثر
زمینهای مرغوب ده را بنام خودش
کرده و زمینهای بدو مرغوب را
به دهقانان داده است. این
شخص مقداری از زمینها را بصورت
متری، که قیمت آن حتی در بعضی
جاها به متری ۲۰۰ تومان میرسیده
فروخته است. و قسمت بزرگ دیگری
از زمینها را با چند مهندس شریک
شده و به دولت برای شهرک سازی
با قیمت گزافی فروخته است. سید
فتحعلی با ثروت زیادی که اندوخته
چند چاه عمیق حفر و آب
قناتها را خشک نموده و دهقانان
فقیر را از این طریق نیز در مضیقه
قرار داده است.

اکنون که عمر رژیم طاغوتی
پایان رسیده دهقانان

خواستهای دهقانان گلوگاه
بخشی از خواستههای توده های
میلیونی زحمتکش روستایی
است. آنها با تشکل، مبارزه با
اربابان فئودال و ربا خواران و با
همکاری دولت ملی و پشتیبانی
آن است که میتوانند به خواستههای
خود دست یابند.

که انقلاب پیروز شده و ما کنه در
انقلاب برای آزادی خون دادیم تا
توسری خورنبا شیم چرا دادگاههای
همدان بکار ما رسیدگی نمیکنند
پس ما پیش چه کسی برویم و دردمان
را بگیریم؟ اگر دولت انقلاب و کمیته
امام و دادگستری بکار ما رسیدگی
نکنند ما از طرف این مالک
و ده حیران در خطر هستیم و قبل از
اینکه جوانانمان، بچههایمان و
زنانمان را به خاک و خون بکشند
و انقلاب اسلامی ما را لکه دار کنند
از دولت انقلابی مهدی بازرگان
و کمیته امام و دادگستری همدان
جدا خواستاریم که بکار ما
رسیدگی کنند که ما بیشتر در خدمت
کردن به انقلاب قرار بگیریم
درود بر خمینی.

کنفرانس اقتصادی سازمان ملل در مانیل

هفته گذشته کنفرانس توسعه تجارت سازمان ملل (انکتاد) در فیلیپین برگزار شد. چهره اصلی کنفرانس افشای غارت امپریالیستها و مبارزه کشورهای جهان سوم با امپریالیسم، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روس بود.

طبق آمارهای ارائه شده به کنفرانس، جمع بدهی های کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی شرق و غرب در سال ۱۹۷۰ مبلغی معادل ۷۴ میلیارد دلار بوده که بخاطر چپاول جهان سوم از طرف جهانخواران امپریالیست و زیاده تر شدن فاصله غنی و فقیر در سال ۱۹۷۷ به ۲۴۴ میلیارد دلار رسیده و کشورهای جهان سوم تنها در سال ۱۹۷۶، ۳۷ میلیارد دلار بعنوان اصل و فرع این وامها به کشورهای صنعتی پرداخته اند. نماینده قطر نیز گفت: "از ۶۹ میلیارد دلار هزینه حمل کالادر جهان، کشورهای جهان سوم ۲۸ میلیارد دلار (باضافه ۳/۵ میلیارد دلار دیگر برای مخارج بندری)، را میپردازد".

در این کنفرانس پیشنهاد ثابت نگاه داشتن میزان کمک کشورهای صنعتی به کشورهای جهان سوم به میزان ۷٪ تولید داخلی ملی کشورهای صنعتی مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت جدی نمایندگان دوا بر قدرت

آمریکا و روسیه مواجه شد. نماینده آمریکا، آندرویانگ که با پیام "حسن نیت" از جانب کارتر به کنفرانس آمده بود، اکثر تقاضاهای جهان سوم را که در کنفرانس مطرح شده بود، رد کرد. بعلاوه، نماینده امپریالیسم روسیه از رشد سرمایه داری خصوصی در کشورهای جهان سوم تحت این عنوان که استقلال آنها را بخطر می افکند اظهار نگرانی کرد و در سرمایه داری دولتی را پیشنهاد نمود. واقعیت اینست که تزارهای کرملین نشین با رشد سرمایه گذاری خصوصی که عمدتاً آمریکائی یا غربی است، مخالفند و در رقابت با آن پیشنهاد رشد سرمایه داری دولتی وابسته به شوروی را برای تضعیف آمریکا و تقویت نفوذ خویش تجویز میکنند و دلشان هیچ بحای کشورهای جهان سوم نسوخته است. بعلاوه این مخالفت روسیه نشانگر این واقعیت بود که رشد سرمایه داری ملی غیر وابسته در کشورهای جهان سوم با منافع امپریالیسم روسیه در تضاد است چه جلوی نفوذ و غارت او را بگیرد.

این کنفرانس با ردیگر لزوم وحدت کشورهای جهان سوم و مبارز متحدان علیه دوا بر قدرت جهانخوار آمریکا و شوروی را بر جسته ساخت و مرز روشن تری میان غارتگر و غارت شده کشید.

قیام کارگران...

نادیده گرفته اید و باید در صدد اصلاح خود بزن آید. یکی از کارگران کیهان میگفت: "من خودم بیش از هزار مستقیماً رفتم به شان گفتم، رفتم داد زدم که آقایان راهتون نیست، این درست نیست، این ضد مردمی است، این ضد انقلاب است، این کارونکنید. گفتند، شما کوچکتر از اونی که تو کار ما دخالت کنی، اصلاً کارگر نفهمه، کارگر سواد ندارد".

یکی از کارمندان در جواب خبرنگار ما که پرسید در دو ماه پیش چند مورد اعتراض کرده اید، گفت: "اعتراض از روز اول بعد از اعتصاب ۶۲ روزه آغاز شد با این دلیل که ما

وهشدارهای توده ها و رهبران آنها با گفته ما خمینی، که "دیگر این روزها ما را نمیخوانم" انتشار خود را متوقف میکنند و اعلامیه های در توجیه اعمال و سیاستها پیش منتشر میکنند. ما نسورچیان کیهان بعوض درس آموزی از این مسئله ونوسازی خود نه تنها به خواستهای مطرح شده جواب نمیگویند بلکه آیندگان را در صفحه دوم کیهان کلیشه میکنند و نزدیک بسه ۴۰۰/۰۰۰ نسخه پخش میکنند. یکی از کارکنان کیهان در این مورد میگوید: "آیندگانی را که کارکنان هواپیمائی ملی حاضر نشدند به شهرستانها برسانند، آیندگانی را که شرکتهای اتوبوس رانی حاضر نشدند ببرند، اینجا می آیند و علیرغم خواست همه در ۴۰۰/۰۰۰ نسخه کلیشه میکنند و تکثیر میکنند. ما سریعاً اعتراض کردیم و گفتیم چه کسی این کار را کرده. این به گردن اون یکی می اندخت، اون یکی به گردن این یکی".

در همان روز ۱۲۴ ر دیب هشت کارگران و کارکنان کیهان بععلت اعتراض به چاپ آیندگان به تحصن سه ساعت دست میزنند و در روز شنبه ۱۲۵ ر دیب هشت از ورود بیست تن از اعضای شورای تحریری که نام آنها در لیست تهیه شده توسط کارگران آمده، جلوگیری میکنند و اعلام میدارند که چون برخلاف روح و محتوی انقلاب عمل کرده اند و روزنامه را سمتی غیر دلخواه و در جهتی غیر از مصالح و منافع مردم کشور سوق میدهند از این موسسه اخراج میشوند. بعد از اخراج این عده ۱۲۵ نفر دیگر از اعضای شورای تحریری نیز به دلیل اعتراض به پی این جریان، جلسهای با شرکت آقای دکتر ممکن معاون وزارت اطلاعات و نماینده وزارت کبار و امورا اجتماعی و دبیران سندیکای نویسندگان و خبرنگاران تشکیل میگردد و از طرف دکتر ممکن پیشنهاد میشود که شورای مرکب از کارگران و کارکنان و اعضای اخراجی تشکیل گردد. ولی بیش از ۷۵ نفر از کارگران و کارکنان کیهان اعلام میدارند که از مرز بدون دخالت هیئت تحریری به چاپ روزنامه خواهند پرداخت. خبرنگار نگار ما علت رد کردن پیشنهاد آقای دکتر ممکن را از یکی از

انتشار نشریه "امت"

تاکنون شماره از نشریه "امت" بدست ما رسیده است "امت" نشریه ایست اسلامی که میکوشد در پرتو تعالیم اسلام از استقلال همه جانبه کشور، آزادیهای دمکراتیک و منافع زحمتکشان دفاع کند. این نشریه در سرمقاله شماره دوم خود از جمله مینویسد: "اما خطراستعما را مپریالیزم که ارباب شاه سابق و قدرت مسلط بر ایران بود، همچنان باقی است. اگرچه ضربه ای که بر رژیم محمد رضا شاهی وارد آمد، آنرا از بزرگترین پایگاه سیاسی در منطقه محروم کرده است، ولی ریشه های آن هنوز قطع نشده اند و تا وقتی ریشه های آن هنوز باقی هستند خطر بازگشت و رشد مجدد آن باقی است."

ریشه های استعمار در کجا قرار دارند؟ در اقتصاد و مناسبات اقتصادی و در فرهنگ و ساختار داری استعمارگران میهن ما رایج کمک سربازان خود غارت نمی کردند، بلکه عناصر خائن و خود فروخته ایرانی بودند که در پشت سنگر موسسات و شرکتهای اقتصادی، بانکها، کارخانجات و تجارتخانه ها، مقاطعه کاریها، طرحهای عمرانی، نظامی و کشاورزی، منابع و ثروت طبیعی کشور را می ربودند و زحمتکشان خلق ما را در شهر و روستا بشدت استثمار میکردند. پس ریشه های استعمار را باید در برنامه ها و تاسیسات اقتصادی، اداری، نظامی و صنعتی جستجو کرد. تاسیساتی که توسط یک طبقه سرمایه دار، دلال صفت و مشتری عناصر فاسد و خائن اداره میشوند. آیا این ریشه ها قطع شده اند؟ بحران اقتصادی موجود، بیکاری کارگران و ورشکستگی اقتصادی و تولیدی مستقیماً نتیجه تسلط این گروهها بر اقتصاد و سیاست کشور ما بوده و هست.

اکنون دستهای آنان از مراکز اصلی تصمیم گیری سیاسی قطع شده است. لکن میدانیم که هنوز در مناسبات عمده اداری و نظامی کشور نفوذ دارند و هنوز بنسب اقتصاد ما در دستهای آنان است. موسسات بزرگ تولیدی، بانکها، تحانه ها، ادارات و...

قدرتهای استعماری و نیروهای ارتجاعی که منافعی در حفظ مناسبات سابق است بر قدرت و فعال اند، نمی توانیم بر بحران غلبه کنیم و سرنوشت خود را بدست گیریم، به غارت کشور و استعمار کارگران و دهقانان پایان دهیم و به استقلال کامل برسیم. ادامه ی تسلط این نیروها بر اقتصاد دوبر ساله نهادهای اداری و موسسات تولیدی و تجاری و کشاورزی در درازمدت به تسلط مجدد آنها بر قدرت سیاسی منجر میشود.

اکنون این نیروها میکوشند از تغییر بنیادی مناسبات موجود جلوگیری کنند، بحران اقتصادی را که نتیجه تسلط آنهاست و خائنانه بان دامین میزنند، بهانه ای برای ادامه موجودیت خویش قرار دهند. تجربه نشان داده است که با وجود این نیروها و بدست آنان نمی توان به شکوفائی و استقلال اقتصادی رسید.

مناسبات اقتصادی و اداری پیدین، حیرانه تسلط سیاسی استعمار بیگانه می انجامد - سرنوشت شوم سادات و سیاستهای اقتصادی او بعد از مرگ جمال عبدالناصر با عبور از مرزهای انگیزیا شد. ارتجاع و سرمایه داری وابسته و دلال صفت و همه نیروهایی که منافع آنها بوسیله انقلاب بخطر افتاده است برای نجات خویش یک راه مشترک دارند که در همه کشورها تجربه شده و میشود و آن مخفی شدن در سنگر مبارزه با کمونیسم است. فراموش نکرده ایم که استعمارگران همه جنابیت های خود را به بهانه مبارزه با کمونیسم مرتکب شده و میشوند.

اکنون انقلاب اسلامی در برابر ریشه های استعمار، ظلم، استثمار فقر و محرومیت، دوره بیشتر در پیش ندارد، یا همانند گذشته در برکندن آنها و مبارزه قاطع با عوامل دشمن پیشگام باشیم و شایستگی فکری و عملی خود را برای غلبه بر منافع آزادی، عدالت، برابری، رفاه و شکوفائی فرهنگی و اقتصادی عملیاتی کند، که در اینصورت جایی برای فرصت طلبی و وسپاشی باقی نمی ماند و عناصر مغرض و تفرقه افکن دستاوری جز

اعتراض از روز اول بعد از اعتصاب ۶۲ روزه آغاز شد با این دلیل که ما روزنامه‌های را که دادیم اولین قسمتی که اعتراض کردگار رگران و کارمندان بودند و گفتند: این جواب مردم نیست، مردمی که برای خرید روزنامه کشته میشوند در فرج آباد از ۳ نفر شهید دادند از ما چیز دیگری میخواهند و ما که میدیدیم مردم از جان و دل برای روزنامه‌های ما اینکارها را میکنند، نمی توانستیم ساکت بنشینیم اطلاعات بهیچ حرف ما توجه نمی کردند، ما حرفمان این بود که: درست است، ممکنه مردم الفبای روزنامه نگاری را ندانند ولی واقعیات انقلاب را می شناسند، حقانیت از حلقوم مردم بیرون می آید، من خودم سه تا مقاله دادم بالا که چاپ کنند ولی چاپ نشد، رفتم مراجعه کنم و پس بگیرم، گفتند: کم شد! با ادا مه کار ما نسور در شورای تحریری روزنامه، اعتراضات کارگران و کارمندان کیهان به جریانات موجودا فزایش میباید موج توده‌ای وسیعی شکل میگیرد، همان کارمند به خبرنگار ما توضیح داد که: "بیش از ۲۰۰ مورد اعتراضات و شکایت به اعممال سانسور، از طرف کارگران و کارمندان انجام گرفت، حتی قبل از عید عده‌ای از دانشجویان آمدند اینجا، متحصن شدند و سه ساعت به تحصن خود ادا مه دادند و در حالی که ایستاده بودند و نماز میخواندند اینها حالت تمسخر و خنده گرفتند و به اعتراضات توجهی نمی کردند و هیچگونه اهمیتی هم قائل نبودند." کارگران و کارکنان کیهان که میبینند کلیه اعتراضات و تذکراتشان در موارد مختلف بی نتیجه میماند، به شورای تحریری تذکر میدهند که: برای اطلاع کلیه همکاران کیهان با یاد اسم کلیه نویسندگان در زیر مقالات آنان نوشته شود تا ما بفهمیم چه کسانی دست به تحریف واقعیات و سانسور میزنند. شورای تحریری از اینکار سرباز میزند و در نتیجه کارگران خود اقدام میکنند و به دلیل شناختی که در اثر تجربه کاری دارند بر راحتی لیست نویسندگان این گونه مقالات راتهی میکنند.

اعتراض کردیم، یکی جریان گنبد بوده است. چهار خبرنگار به گنبد فرستادیم که وقتی برگشتند نفر شدند و یکی از آنها که به آنها اضافه شده بود خا نمی بود که اصلا نمی شناختیم و تازه آمدند خبیر را طوری منعکس کردند که با واقعیت مطابقت نداشت و آرشیکیهان گواه ما می باشد. زیرا مثلاً آقای دکتر مفتاح می آیند سخنرانی میکنند و اینجا از کل سخنرانی، تعسدد زوجات را با تیترو درشت در صفحه اول می آورند. مثال دیگر در باره سنج است که من اگر بخواهم عنوان کنم اصلا وقت نمی شود، ولی در این مورد نیز شهودی داریم که اینها مسئله را خلاف واقع جلوه داده اند. یا مثلاً آقای نخست وزیر نطقی ایراد کرده بودند و مسئله رای دادن ۹۹٪ مطرح کرده بودند که به جمهوری اسلامی رای مثبت داده اند و بنا به گفته شخص معروفی که خودش جزوه ایست تحریریه است و خودش بیان کرده مقاله ای برای درج در این رابطه مینویسد ولی نیم ساعت بعد، مقاله اصلا چاپ نمیشود که هیچ، نا پدید هم میشود. این اشخاص بر طبق خواستهای مردم نمی نوشتند، چندین دلیل دارد و بهترینش همان حمایت مردم است. ما بعد از پایان اعتصاب ۲۰۰/۰۰۰/۱ تیراژ داشتیم که در مقایسه با قبیل از انقلاب که ۸۰۰/۰۰۰ تا بودی سابقه بود و مردم گل آوردند و حمایت کردند از نوشته‌های ما، دیگر سرنیزه های پهلوی بالای سرما نبود. یواش یواش تیراژ آمد تا ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تا، تا رسیده بود به ۳۰/۰۰۰ کیهان در روز، و حالا باز مرتباً با لامیرود، و این علت دارد. دستگای چاپ همان دستگای چاپ است، منتها از حمایت مردم خوردار نبودیم. موج اعتراضات و تکذیب خبرهای جعلی و تذکرات توده‌های وسیع مردم و کارگران و کارکنان کیهان بالا میگردوناه گه گه "آیندگان" روزنامه صبح تهران، پس از مدت‌ها تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و برانگیختن خشم توده‌های وسیع خلق و عدم توجه به انتقادات

روزنامه‌ها و خورده‌ها در دستهای آنان است. نگاه ما علت رد کردن پیشنهاد آقای دکتر ممکن را از یکی از کارکنان کیهان پرسید، او در جواب گفت: "ما با اختیار کار ما در این جلسه شرکت کردیم، وقتی این پیشنهادها را شنیدیم آمدیم از همکاران پرسیدیم، از کارگران و کارمندان که اگر مورد تأیید اکثریت باشد قبول کنیم، ولی همه خواهان تصفیه این افراد شدند و پیشنهاد، مورد قبول واقع نشد. در پی این تصمیم، کارگران و کارکنان کیهان، شورای موقت انقلابی تحریری با شرکت کارگران و کارمندان روزنامه را تشکیل میدهند، و کیهان در روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت بهمت کارگران و کارمندان انقلابی در ۴ صفحه منتشر گردید. در همان روز، نمایندگان کارگران و کارکنان کیهان به حضور امام خمینی رسیدند و تولد نوین کیهان را به اطلاع امام رساندند و امام خمینی پس از روشن ساختن نقش مطبوعات گفتند: "..... در مملکتی که آنهمه خونریزی شد، و آنهمه ملت ما خون دادند با آنکه یک جمهوری اسلامی موافق آراء اکثریت قریب به اتفاق محقق شد و دست خائنین کوتاه گردید و دست خائنین چپا و لگر قطع شد اگر مطبوعات بخوانند باز به پشتیبانی از جناحیتکاران و خیانتکاران چیزی بنویسند این مطبوعات ما نیست، این خیانت است..... کیهان امروز موافق میل ملت است، ملت روزنامه‌های را میخواهد که مطابق آراء و خواست ملت بنویسد و منتشر سازد، مقاله نویسی نمیخواهد، قصه نویسی نمی خواهد، چیزهایی را میخواهد که مطابق مسیر ملت باشد....." اما خمینی در جای دیگر از سخنان خود گفتند: "آزادی قلم و بیان به این نسبت که مطبوعات آزادانه بر علیه مصلحت کشور نوشته شود قلمش آزاد باشد و بنویسد..... وقتی که ما دیدیم در یک روزنامه‌های از اشخاصی مطالب نوشته میشود که عمال اجانب هستند و میخواهند مملکت ما را از به خرابی بکشند..... به اسم آزادی میخواهند از مردم سلب آزادی کنند

اقتصادی در دستهای آنان است. موسسات بزرگ تولیدی، بانکها و تجارتخانه‌ها و آراضی وسیع کشاورزی در ملکیت وزیر سلطه آنهاست. تا وقتی این نیروها یعنی سرمایه داران وابسته به دست چپا و لگران را با زکرده و در میان ملت اختناق ایجاد نکنند. این معنی آزادی نیست این بمعنی خیانت است....." و سپس اضافه کردند: "شما طریقتان این است که از این بیعت توجه به این معنا داشته باشید و روی همین مسیر ملت رفتار بکنید. همانطور که ملت رفتار میکند اینک با اسم آزادی قلم برخلاف مسیر ملت نشر بکنید. بعضی از کسانی که جزوه ایست تحریریه اند و میدانی که اینها اصلاح نمیشوند، و اینها نمی توانند اصلاح بشوند، اینها عمال غیر هستند و میخواهند دست اجانب را در مملکت ما بزنند، اینها را کنار بگذارید، نویسنده زیاد است..... کیهان پس از انتشار اولین شماره انقلابی خویش، مورد پشتیبانی وسیع توده‌های خلق قرار گرفت. در این مورد یکی از کارمندان کیهان به خبرنگار ما گفت: "روز ۲۶ اردیبهشت، گروهی بسیاری از مردم در محل موسسه جمع شدند و خواهان کیهان دیروز گردیدند که خود نما یا نگر استقبال وسیع مردم از کیهان میباشد. او گفت: "مردم دیروز ۹۰/۰۰۰ تومان کیهان شما ره قبل را از ما خریدند." موج همیستی مردم از کارگران و کارکنان کیهان تا شهرهای دور و نزدیک نیز رسیده و گروه گروه مردم از پاکسازی درون کیهان و مسیر انتخاباتی جدید آن استقبال کردند. سخن را با قسمتی از مصاحبه خبرنگار رنجبر با یکی از کارگران چاپخانه کیهان به پایان میرسانیم. او می گفت: "اینها فکر میکردند که اگر فقط میتوانند کار بکنند، نه با جان، کارگر هم میتواند بنویسد، هم قلم بزنه، هم نویسندگی کنه، هم عکاسی کنه، هم کار می تونه بکنه، ولی شما یک نویسنده سراغ دارید، بتونه توچا پخونه پشت ماشین کار بکنه؟ آره ما می نویسیم، بهتره هم می نویسیم....."

وسمیاشی باقی نمی ماند و عناصر مغرض و تفرقه افکن دستاوری جز رسوایی و بیگانگی وجدائی از مردم نخواهند داشت. راه دوم، آنستکه جبهه اصلی را ترک کنند بجای مبارزه با ریشه های استبداد و استعمار یعنی ارتجاع، سرمایه داران دلال صفت و خائن و مناسبات غیر توحیدی، در ارتش و ادارات و سازمانهای اقتصادی و اجتماعی، به شاخ و برگها بپردازد و معلول را هدف قرار دهد و پشت سرمایه رزه با کمونیسم، هر صدای اصیل و انتقاد و اعتراض صادق را خاموش و نیروهای اصیل انقلابی را معرض حمله قرار دهد و آزادی را به نفع خویش بپایان رساند.

اجتماع کارکنان...

خواستهای خویش را بدین شرح اعلام نمودند: "ما کارکنان بنما بندگی از طرف کلیه کارکنان شیلات گیلان خواسته‌های خود را مختصراً در دو مورد زیر که رابطه‌ای مستقیم با حفظ ذخائر دریای ما زندان دارد به استحضار میرسانیم: ۱- جلوگیری از صید ماهیان غضروفی (خاویاری) بوسیله افراد غیر مسئول که خود ضرر بزرگی با اقتصاد و خزانه دولت میرسانند. ۲- جلوگیری از صید بی رویه ماهیان فلس دار. بعد از مدتی بحث، استا ندار و اجتماع کنندگان از هم تشکر کرده و اجتماع را پایان دادند. * * * * * بهترین پاسداران ذخایر ملی دریای شمال، صیادان زحمتکش و کارکنان میهن پرست شیلات اند. بویژه آنکه ادامه زندگی صیادان زحمتکش وابسته به حفظ ذخائر ماهی است. تنها با توجه به خواستهای بحق صیادان، بسیج کارکنان میهن پرست شیلات در اتحاد با صیادان و دولت و طرد عوام مل سودجو که در خدمت فریب شدن خود صید میکنند است که میتوان از این ذخایر ملی ماهی پاسداری کرد و معیشت و رفاه توده‌های زحمتکش را تا مین نمود.

نگهبان جنگل هستیم در حالیکه همه جور از من کار میکشند. به ضمیری (رئیس شرکت) گفتیم بدر کار ما برس گفت تو سهل انگار و خرابکار هستی و اینک میگویند ۲۰۰۰ تومن بگیر و از اینجای برو بیرون. در جنگل هم شب و روز نگهبانی میدادم.

* ۳ سال هست که در اینجا کار میکنم و ۳۵ تومن حقوق میگیرم. ۷ سرعافله دارم و هنوز بمن حق اولاد تعلق نگرفته. هر وقت هم که از حق خود دفاع میکنیم میگویند شما "خرابکار" و "خیانتکار" هستید. آنها هنوز فکر طاغوتی توی سرشان هست. بعد از سه سال اولین بار هست که عیدی میگیرم هیچ وقت روز تعطیلی نداشتیم تمام سال کار میکنیم.

* من راننده تراکتور هستم ولی باید اینجا همه جور کار کنم و جین کاری میکنم. بیل میزنم..... برای حقم رفتم نزد "ضمیری" (رئیس شرکت) و لسی برایم غیبت زده اند. بما میگویند چرا به شرکت میآید. ما حاضریم کشته شویم ولی حقمان را نخورند. * ما همه علیه "ضمیری" شکایت داریم. بما زور میگوید. اینجا را من آباد کرده ام ولی او را تشویق میکنند و با او میزایا میدهند. پول ما را آنها میگیرند چرا باید اینطور باشد؟ ما همیشه تحت فشار هستیم. کارهای سخت بما میدهند که از اینجا برویم بیرون در حالیکه ما سابقه کار داریم. چرا رئیس شرکت باید حق ما موریت داشته باشد ولی من نداشته باشم. چرا او وضعش اینقدر خوب باشد ولی من گرسنه باشم. چرا اینقدر تبعیض هست، جمعه ما دویبل نمیدهند، لباس نمیدهند، کفش نمیدهند، حق مسکن نمیدهند. این چکمه ها را خودمان با پول خودمان میخریم (اشاره میکند به چکمه های خودش و دوستانش). بچه ام مریض است ولی بعلت بی پولی نمیتوانم او را معالجه کنم. خودم هم استخوان درد دارم ولی پول ندارم معالجه کنم. در زیر باران کار میکنیم ولی بما

دارم. حق مسکن هم نمیدهند. در اینجا ساعت کار برای ما مفهوم ندارد.

* کسی که زحمت میکشد مسئله اش فقط پول نیست. مسئله اش آتیه است مسئله اش ظلم نکشیدن است. ما روی پول زیاد تکیه نمیکنیم. چون پول تا بحال نتوانسته درد ما را دوا کند. باید بعد از من وضع بچه هایمان روشن باشد. باید آنها بتوانند خوب زندگی کنند. در کشور اسلامی حقوق زن و مرد نباید فرق داشته باشد در حالیکه اینجا فرق دارد. پدرم و زنم هر دو نگهبان هستند که روزی ۱۲ ساعت کار میکنند ولی همان ۸ ساعت با آنها پرداخت میشود. به زنم ۵ تومن کمتر میدهند. بما در اینجا فشار میآورند که دست از کار بکشیم و برویم بیرون - زنم زایمان داشت برایش غیبت زدند. ما هیچ روز تعطیلی نداریم نه روز عاشورا نه عید، نه جمعه، ساعت کار برای ما معنی ندارد. ۱۲ سال هست که کار میکنم و روزی ۳۷ تومن حقوق میگیرم. کسی نیست که بدردمان برسد، حق من و زن و بچه ام را خورده اند. رئیس شرکت از پول ما و از پول شرکت زمین های هندوانه کاری درست کرده، بعضی از کارگرها را در روی زمینش بکار میکشد ولی با پول دولت و زور با زوری کارگر شغل ثابت ندارم، باغبان هستم - سرکارگر هستم - انباردار هستم - بیل زن هستم و لسی هیچی ندارم - یک کیسه گونی شکایت نامه دارم به هیچکدام از آنها رسیدگی نکرده اند. حالا باینجا رسیده ام که دیگر شکایت بدردمان نمیخورد و تا بحال اثر نداشته. حالا اینطور هست که باید با مشت بزنی توی دهن آنها و حق مان را بگیریم و همانطور که تا بحال با مشت از حقمان دفاع کرده ایم. فقط مشت میتواند بدردمان بخورد. آقای "ضمیری" از بودجه شرکت زمین هندوانه میکارد مقداری باغ خریده است. زمینی دارد در حکیم آباد قرق، آنها

مستعمل، وابسته به بهبود وضع رماهی زحمتکشان است. مقامات دولتی در کلیه سطوح، خودبایی توجهی و کم به ادا دادن به امر معیشت زحمتکشان در واقع زمینه های نارضائی موجود را گسترش میدهند. باید با تامین رفاه زحمتکشان عرصه را بر ضد انقلاب تنگ کرد و شور و شوق خلق را برای سازندگی ملی بالابرد.

با پول کارگر و دولت زندگی میکنند. چرا از ماشین شخصی اش هیچوقت استفاده نمیکنند. این دولت باید فقط از ما کارگرها دفاع کند چون این دولت از خودمان هست و ما سرکار آورديمش.

* * * این کارگران شریف و زحمتکش خواهستهای خود را طی اعلامیه ای چنین ابراز میدارند:

بسمه تعالی
ما کارگران شرکت سهامی خدمات جنگلها و مراتع گرگان مدت بیش از ۵۰ روز هست که حقوق نگرفته ایم و زندگی مان هر روز بدتر میشود. خواست اصلی ما مبلغ ۷۵۰۰ ریالی میباشد که قبلا بما میدادند و الان آنرا قطع کرده اند. به هر مقام و مرجعی مراجعه نموده ایم، پاسخ منفی شنیده ایم. بارها به آقای "ضمیری" (رئیس شرکت) گفته ایم ولی از ما را توهین کرده که شما "خرابکار و خیانتکارید". اما از آنجائی که ما کارگران برای حقوق از دست رفته خود مبارزه میکنیم، هرگز تسلیم نخواهیم شد و تا باخر ادامه خواهیم داد همانطوریکه در مبارزه علیه رژیم شاه خائن دست در دست همه هموطنان، مبارزه خود را برهبری امام خمینی به پیروزی رساندیم حالا هم جهت ادامه پیروزمند انقلاب، مبارزه خواهیم کرد و معتقدیم بدون سرآوردن خواستهای بحق کارگران این پیروزی امکان پذیر نیست. ما انقلاب نکردیم که تا باز دوباره همان روه سا و کارفرماهای زالو صفت خون ما را بمکند و حق ما را بخورند. ما از دولت هیچ چیزی جز "حقوق حقه" نبود نمیخواهیم. ما میخواهیم دولت

بست رسن نه در سال ۱۱۱۶ عدد ۲۵۰۰۰۰ دوجرخه تولید میکرد و وظیفه داشت ۳۰۱۰۰ سال ۱۳۴۷ فقط ۲۴۶۰۰ دوجرخه تولید میکرد و وظیفه داشت ۳۰۱۰۰ دوجرخه هم از شوری وارد نماید!

"تخصص" هندوستان که کشوری "کمک" زده است بر طبق قانون تقسیم کار بین الطلی امپریالیستی شورویها صدور محصولات صنایع آهن و فولاد، ماشین سازی، برق و برخی صنایع اصلی است که توسط "کمک" های "برادرانه" سوسیال امپریالیستها ایجا شده اند و طبق قرار دادهائی که برای انجام این "کمک" ها بین دو کشور بسته شده نوع، مقدار و کیفیت محصولات آنها توسط دولت شوروی تعیین میشود و هندوستان موظف است محصولات این کارخانه ها را بر طبق نرخ تعیین شده توسط شوروی بخود این کشور بفروشد این است ماهیت "تقسیم بین المللی کار" امپریالیستهای روسیه. فزق این برنامه "تقسیم بین المللی کار" امپریالیستهای غرب در چیست؟ در اینک که شوروی ها با تظاهر باینکه در کشورهای تحت سلطه خود تعدادی کارخانجات مادر یا اصلی ایجا کرده و بدین طریق به "منعتی شدن" و "استقلال اقتصادی" این کشورها "کمک" کرده اند، به غارتگری خودرنگی فریبنده تر داده و میکوشند تا این چپاول را بعنوان "کمک" "برادرانه" یک کشور "سوسیالیستی" جا بزنند. وبهمین دلیل نیز هست گناه امپریالیسم شوروی "سوسیال امپریالیسم" (سوسیالیسم در ظاهر - امپریالیسم در باطن) نام گرفته است.

طرف کارگران را بگیرد و بدردمان ما برسد.

خواستهای خود را که قبلا هم اعلام کرده ایم فقط وعده و وعید شنیده ایم بار دیگر اعلام میداریم این خواستهای ما در قوانین کار قبلی هم قانونی بوده ولی ما از تمامی آنها محروم بوده ایم. لذا از کلیه کارگران شرکت میخواهیم چنانچه تا روز ۵۸/۲/۲۲ جواب ندادند، خواست اصلی ما جواب ندادند، روز یکشنبه ۵۸/۲/۲۳ در شرکت جمع میشویم تا تصمیمات نهائی را در آنجا بگیریم:

- ۱- پرداخت فوری مبلغ ۷۵۰۰ ریالی طبق بخشنامه و بدون تبعیض قائل شدن.
- ۲- پرداخت حق مسکن - حق اولاد - خواربار و غیره.
- ۳- پرداخت حقوق مساوی بین کارگران زن و مرد.
- ۴- معلوم کردن شغل سازمانی برای هر کارگر (در این شرکت هر کارگر چند شغل دارد).
- ۵- و بانضمام کلیه خواستهای که کارگران این شرکت در قائم شهر - ساری - جالوس - خواستار آنند، ما پشتیبانی میکنیم و خواست ما هم هست.

کارگران شرکت سهامی خدمات جنگلها و مراتع در گرگان
۵۸/۲/۲۱

اجتماع کارکنان...

است در حفظ ذخایر دریا از کارکنان ادارات که حرفه شان این است و طبعاً از دولت در این مورد با اطلاع تر هستند کمک بگیرد. استاندار در جواب گفت که این موضوع صحیح است و کارکنان شیلان در این مورد از شخص وی با اطلاع تر هستند. او سپس پیشنهاد کرد که حضار نما بندگان سیلانت انتخاب کنند تا باروه سای شیلانت و معاون استاندار کمیونی تشکیل داده و در مورد چگونگی حفظ ذخایر دریا طرحی به استاندار ارائه دهند.

کارکنان شیلانت در اجتماع خود اعلام کردند که هدف آنها مبارزه با صیادان حرفه ای سواحل دریای خزر نیست بلکه فقط جلوگیری از سودجویی آن افرادی است که از صیادی بعنوان شغل دوم یا سوم خود استفاده میکنند. آنها اظهار داشتند که اینگونه افراد هیچ گونه اهمیتی به چگونگی صید نمیدهند و زمان تخم ریزی ماهیها هم که با پیدا صید ماهی اجتناب کرده ماهیگیری بی رویه خود ادامه میدهند. آنها معتقد بودند که اگر این کار به صورت کنونی ادامه پیدا کند تا پنج سال دیگر اثری از ماهی در دریای خزر باقی نخواهد ماند. اجتماع کنندگان در قطعنامه ای ارائه شده به استاندار بقیه در صفحه چهارم

شوروی :

کشوری امپریالیستی (۶)

تقسیم کار امپریالیستی

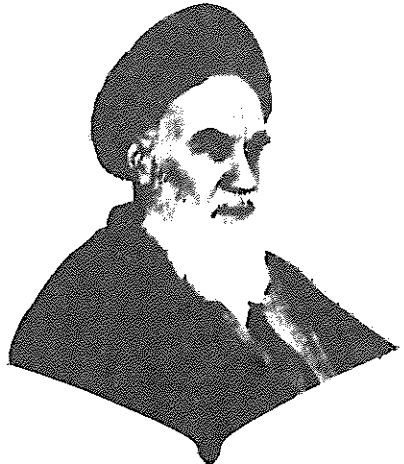
یکی از ویژگیهای امپریالیسم، کوشش در تقسیم کار تولیدی میان کشورهای صنعتی و غیرصنعتی (عمدتا جهان سوم) است که هدفی جز جابجایی کشورهای غیرصنعتی توسط کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری ندارد. امپریالیستها بر هر کشوری که مسلط میشوند تلاش میکنند تا این کشورها را موظف نمایند که به تولید مواد خام اولیه صنعتی و کشاورزی پرداخته و وظیفه تولید محصولات صنعتی خود را به عهده کشور امپریالیستی غالب بگذارند. امپریالیستها به این طریق از یک طرف مواد اولیه کارخانه‌های خود را به بهای ارزان از کشورهای مستعمره یا نیمه‌مستعمره خویش خریداری یا در واقع چپاول میکنند. از طرف دیگر محصولات صنعتی خویش را با قیمت‌های بسیار گران به این کشورها می‌فروشند و بدین طریق سودهای کلان و افسانه‌ای بدست می‌آورند.

اما این تقسیم‌بندی بین المللی کار یک جانب دیگر هم دارد. از آنجا که جنبش آزادیبخش خلق‌های جهان در هفتاد سال اخیر سرعت رشد کرده و مردم جهان دیگر حاضر نیستند زیر بار این تقسیم‌کار غارتگرانه بروند،

امپریالیستها مجبورند تا تولیدمقداری از محصولات صنعتی را به کشورهای نیمه‌مستعمره خود واگذار کنند. صنایعی که توسط امپریالیستها در این کشورها ایجاد میشوند البته دارای یک نقش بسیار بزرگ دیگر هم هستند و آن وابسته‌کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشور نیمه‌مستعمره به اقتصاد کشور امپریالیستی است. بدین طریق که از یک طرف کارخانه‌جات ایجاد شده اکثر از جمله صنایع "مونتاز" (سرمه‌بندی کردن قطعات ساخته شده در کشورهای امپریالیستی) و یا تولید مواد مصرفی هستند که نه تنها کشور نیمه‌مستعمره را از نظر صنعتی هیچوقت مستقل و خودکفا نمی‌نمایند بلکه در اکثر موارد ردحتی مواد اولیه خود را هم از خارج یعنی از کشورهای امپریالیستی وارد میکنند. علاوه بر این بعلاوه احتیاج این کارخانه‌ها به لوازم یدکی و متخصصین خارجی، اقتصاد کشور نیمه‌مستعمره تا حد خیلی بیشتری به صنایع و تکنولوژی امپریالیستی وابسته میشوند. آنوقت که کشور امپریالیستی علاوه بر سود کلانی که با استفاده از فروش مواد اولیه به این کارخانه‌ها، لوازم یدکی به آنها و بکارگماشتن متخصصین خود به حقوق‌های بسیار کلان و همچنین استفاده از کارگران آن کشورها میبرد هر وقت هم کمه‌علی خواست کشور مزبور را تحت فشار بگذارد از فرستادن مواد اولیه یا قطعات یدکی این کارخانه‌ها سر باز می‌زند و باعث رکود اقتصاد آن کشور میشود.

حال ببینیم کشور شوروی به اصطلاح "سوسیالیستی" دارای چنین نقشی در جهان هست یا نه. آقای کاسیگین نخست وزیر شوروی میگوید: "اتحاد شوروی امکاناتی فراهم می‌آورد تا کشورهای غیرصنعتی برتری تقسیم بین المللی کار را درک نموده و از آن استفاده نمایند. ما میتوانیم کالاهای سنتی این کشورها از قبیل پنبه، پشم، پوست، روغن نباتی، مواد دکانی، فلزات رنگین، میوه، قهوه، دانه‌های کاکائو، چای و مواد خام و همچنین کالاهای حاضر آماده را به مقدار زیاد خریداری نمائیم. دولت شوروی سپس "لطف" کرده و اعلام مینماید که "کشورهای غیرصنعتی باید علاوه بر مواد خام، محصولات نیم‌ساخته نیز ما در کنند". سوسیال امپریالیستها

پاسخ امام به امپریالیستها



هفته گذشته مجلس سنای آمریکا به پیشنهاد سنا تور "جاکوب جاوتیس" یکی از معروفترین صهیونیستهای آمریکا طی قطعنامه‌ای که با توافق آرا به تصویب رسید، اعدام‌های ضد انقلابیون در ایران را محکوم کرده و ایران را به تیرگی روابط بین دو کشور تهدید نمود. در پاسخ به این تهدیدات امپریالیسم آمریکا، امام خمینی در روز شنبه ۲۹ اردیبهشت سخنرانی پراهمیتی ایراد نمودند. امام خمینی در آغاز گفتند: "دوروز پیش از این بود که سنای آمریکا به اتفاق آرا اعدام‌هایی که در ایران شده است محکوم کردند، آنهم که طرح داده یکی از دوستان اسرافیل و خودش هم از صهیونیستها، معلوم است که سنای آمریکا باید محکوم کند ما را، شکی ندارم، میدانیم آنها ما را محکوم میکنند. دولت آمریکا ما را محکوم میکند، منتها حرف نمی‌زد، مجالس آمریکا ما را محکوم میکند، برای اینکه آن داغی که به دل آمریکا وارد شده است بوسیله‌ی این نهضت، به دل هیچکس وارد نشده".

و ۰۰۰۰ سپس در جواب به تهدید امپریالیستیهای آمریکا بی‌مبنی پرتیرگی روابط با ایران گفتند: "ما روابط با آمریکا میخواهیم چه بکنیم، روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است. روابط یک غارت شده با یک غارتگر است، ما میخواهیم چه بکنیم، آنها میل دارند با ما روابط داشته باشند آنها احتیاج دارند با ما روابط داشته باشند ما چه احتیاجی به آمریکا داریم، آمریکا آنطرف دنیا است، آنها میخواهند در اینجا با زار داشته باشند آنها با زطمع دارند که نفت ما را بخورند. ما که اسلام هستیم بنایست ظلمی به دیگری کند مظلوم نخواهد شد. البته سنای آمریکا ما را محکوم میکند، مجالس انگلستان ما را محکوم می‌کند، مجالس شوروی ما را محکوم میکند، ما محکوم همه قشرها هستیم، این کاری که در ایران واقع شد کاری است که همه قشرهای ظالم و مستکبر را

آخرین نمونه آنست. آنها تلاش میکنند تا با لوث کردن ماهیت متوقی انقلاب ایران، بخيال خام خود انقلاب ما را در نظر خلقهای ستمدیده جهان بدنام کنند، چاهینکه انقلاب خلقهای میهن ما با ضربه زدن به امپریالیسم آمریکا شعله‌های امید و مبارزه را در دل‌های خلقهای زیر ستم جهان افروخته و نشان داده است که در برابر خلق متحد و مصمم، امپریالیسم ببر کاغذی است.

بگذار آنها به انقلاب ما دشنام بدهند، این کارتنها را راهی خلقهای میهن ما را در دفاع از انقلاب خونین خود استوارتر خواهد ساخت.

توطئه‌های امپریالیستیهای آمریکا بی‌مبنی و روسی تنها خلق ما را هوشیارتر و مصمم‌تر میکند. خلقی که دهها هزار قربانی داده است از تهدیدات و توطئه‌های آنان با کسب ندارد.

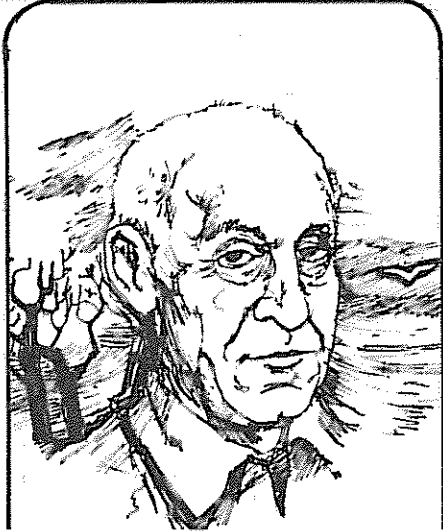
این کارزار امپریالیستی همچنین هشدار می‌دهد به آن نیروهای متزلزل و فرصت طلبی است که بجای مبارزه با دوا بر قدرت آمریکا و روس و دفاع از استقلال میهن، از پام تا شام داد و فغان "فاشیسم" و "اخناتق" را براه انداخته اند و در این لحظات حساس سیاسی بجای متحد شدن با انقلاب و دفاع از آن، زیر پوشش "دفاع از آزادی، انقلاب و رهبری آنرا تضعیف کرده و عملاً موجب ایجاد زمینه برای توطئه‌های دوا بر قدرت میگرددند. هشدار می‌دهد که بخود آیند، با انقلاب اسلامی متحد شوند و بدین شکل از آزادی میهن دفاع کنند.

انگلستان و یا از ناحیه حکومت‌های خودشان که دست نشانده آنهاست اینها در این مسائل چه میگویند باید دید مظلوم در این مسائل چه میگوید نه ظالم".

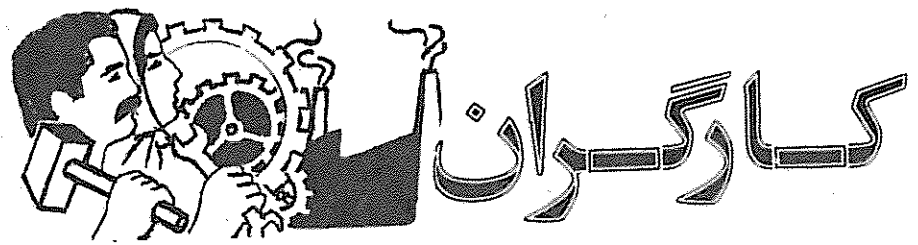
بعدا از این موضع‌گیری قاطع و روشن امام خمینی و پشتیبانی تمام خلقهای ستمکش ایران از آن وزارت امور خارجه طی اعلامیه‌ای متذکر شد: "قطعنامه ۱۷ ماه مه ۱۹۷۹ سنای آمریکا درباره‌ی ایران، دخالت آشکار و غیرقانونی قبضه‌ی مقامات حاکمه آمریکا در امور داخلی ایران محسوب میشود و دولت ایران به این رویه‌سنای آمریکا شدیداً اعتراض میکند". وزارت امور خارجه همچنین از دولت آمریکا خواست که ورود سفیر جدید خود به ایران را به تعویق بیاورد. ما از این مواضع راستین امام و دولت موقت پشتیبانی کرده و دخالت‌های ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا را مورد اخلای ایران را محکوم میکنیم.

امپریالیستیهای خونخوار آمریکا بی‌کارتی کارزار وسیعی را علیه انقلاب ایران بر راه انداخته‌اند که قطعنامه خیرسنای آمریکا

نشانی دفتر روزنجر
تهران - خیابان مصدق
پائین تر از امیر اکرم کوی گودرز
تلف: ۱۶۰۸۱۹



دولت شوروی سپس "لطف کرده و اعلام میتسا بیدکه" کشورهای غیرصنعتی باید علاوه بر مواد خام، محصولات نیم ساخته نیز صادر کنند. سوسیال امپریالیستها بقیه در صفحه پنجم



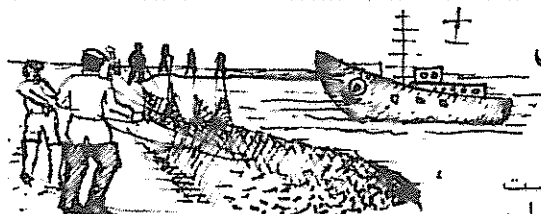
کارگران

جلسه سندیکای قالیبافان تبریز

روز دوشنبه ۵۸/۲/۲۴ در حدود ۵۰ نفر از کارگران قالیباف در باشگاه کارگران تبریز اجتماع نمودند. هدف از این اجتماع انتخاب نمایندگان برای اتحادیه کارگران قالیباف بود. در این اجتماع ابتدا چند نفر از نمایندگان موقت اتحادیه که تعدادشان ۱۳ نفر است درباری لزوم وجود سندیکای کارگری قالیبافان صحبت کردند. بنا به گفته این سخنرانان تعداد قالیبافان تبریز که عضو سندیکای شده اند در حدود ۶۰۰ نفر می باشد. کارگران بیکار قالیباف هم تعدادشان بسیار زیاد است و مدتی است که در اجتماعاتی برای رسیدن به خواسته های خود مبارزه کرده اند. از جمله خواسته های این کارگران گرفتن وام بیکاری بوده است که در ابتدا دولت با انجام آن موافقت نداشته و بعد از یکمرتبه مذاکرات و فعالیتهای مختلف کارگران بالاخره رضایت داده است که روزانه به ۴۰ نفر از این کارگران وام داده شود. ولی از آنجا که این تعداد کافی نبوده کارگران بمبارزات خود ادامه داده اند، تا آنجا که اکنون روزانه ۱۵۰ - ۱۰۰ نفر از این وام بیکاری استفاده میکنند. تاکنون ۴۷۰ نفر برای گرفتن وام نام نویسی کرده اند ولی اکثریت کارگران با این وام مخالف هستند چرا که مبلغ ۷۵۰ تومان پولی که بصورت وام میگیرند تکافوی زندگی آنها را نمی کند، علاوه کارگران در جستجوی کار هستند و وام پیشنهاد کارگران به دولت

کاری که در ایران واقع شد کاری است که همه قشرهای ظالم و مستکبر با آن مخالف هستند. اما در ادامه سخنان خود افزودند، البته اما باید دید که آنهایی که تحت ظلم واقع شده اند ملت ها قی که تحت ظلم و ستم واقع شده اند آیا از ناحیه آمریکا یا از ناحیه شوروی، یا از ناحیه

اجتماع کارکنان شیلات بندر انزلی



در روز نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۸، در حدود ۱۰۰ نفر از کارکنان شیلات بندر انزلی در استاننداری رشت اجتماع نمودند. اجتماع کنندگان عکسهای از امام خمینی همراه داشته و پلاکاردی حمل میکردند که روی آن نوشته بود: "ما خواهان حفظ ذخایر دریای که نسلهای آینده در آن سهیم اند، هستیم." آنها در حالیکه شعار میدادند: "کارگران دریانان بود با یکدیگرند" به استاننداری وارد شده و تقاضای ملاقات با استاندار را نمودند. در ابتدا معاون استاندار به دیدار اجتماع کنندگان آمد و سخنرانی کوتاهی ایراد کرد و از اجتماع کنندگان خواست که به خواسته های خویش را که در قطعنامه ای درج شده بود، به او دهند تا تسلیم استاندار نماید. ولی اجتماع کنندگان از اینکار سر باز زده خواستار ملاقات با شخص استاندار شدند. کمی بعد استاندار نیز به دیدار حاضرین در استاننداری آمده و از خواسته های آنان اعلام پشتیبانی نمود. وی گفت: "این وظیفه دولت است نه تنها از ذخایر دریای

(۴) باز نشستگی بعد از ۲۵ سال کار.
(۵) استخدام کارگران از طریق سندیکای کارگری.
(۶) عضویت در سندیکای سرتاسری کارگران.
(۷) دادن کمک مالی به سایر سندیکاهای کارگری.
بعلاوه بحث های زیادی که در جلسه مذکور پیش آمد از انتخابات نمایندگان کارگران قالیباف به بعد موکول گردید.

بلکه از کلیه منابع ملی از قبیل جنگل و معادن و غیره حفاظت کنند. سپس یکی از اجتماع کنندگان در جواب استاندار سخنرانی کوتاهی ایراد کرده و اعلام کرد که دولت بهتر بقیه در صفحه پنجم

اعتصاب کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی اهواز

کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی اهواز و حومه از شنبه ۲۲ تا سه شنبه ۲۵ اردیبهشت دست از کار کشیدند. این زحمتکشان در دوران رژیم ضد ملی و ضد کارگری شاه سابق، از تمام حقوق خود حتی از حقوق مندرج در قانون کار که رژیم مدعی اجرای آن بود محروم بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی مقامات مسئول نسبت به خواسته های بحق کارکنان بی توجهی کرده و به اعتراضات شفاهی و کتبی آنان پاسخ ندادند و این امر موجب اعتصاب اخیر آنها شد.

آنها قبل از اعتصاب طمی نامه هایی به استاننداری، شهرداری، کمیته امام و مدیریت شرکت واحد خواسته های زیر را تقاضا نمودند:

(۱) اجرای طرح طبقه بندی مشاغل طبق قانون کار که تاکنون انجام نگرفته است.
(۲) اجرای قانون ۸ ساعت کار در روز.

بقیه در صفحه پنجم

پانسیس برار امپراتورم - شوی کودرر
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی زنجر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

مشکلات و خواسته های کارگران کشاورزی گران

بر اساس دستوری که اخیرا صادر شده مزایای کارگران کشاورزی شرکت سهامی خدمات جنگلها و مراتع (وابسته به وزارت کشاورزی) در گران که قبلا به آنها پرداخت میشده قطع گردیده است. این مزایا شامل ۲۰ ساعت اضافه کار، (حداکثر) ۱۲ روز حق ماموریت، عیدی، حق اولاد، مسکن، لباس، خواروبار و... بوده اند. علاوه بر آن، شرکت از پرداخت ۷۵۰ تومان اضافه حقوق که میبایست به حقوق کلیه کارگران و کارمندان پرداخت شود، خودداری می نماید. این مسئله تنها محدود به کارگران نبوده بلکه مسئله ای کارگران کشاورزی شرکت درساری بابل و مرکز نیز هست. کارگران بارها برای برآورده شدن خواسته هایشان به کمیته امام، اداره کشتاورزی گران و شرکت مراجعه کرده اند ولی تاکنون به نتیجه نرسیده اند.

با تعدادی از کارگران کشاورزی که در نهالستان شرکت در محلی به نام "قرق" ۱۵ کیلومتری گران کار میکنند درباره وضع و مشکلات و شرایط کارشان صحبت کردیم که در زیر میخوانید

* روزی ۲۵ تومن حقوق میگیرم. سه سال است که دارم کار میکنم و روزی ۱۴ تومن کرایه ماشین میدهم تا از شهرم (گز) به اینجا بیایم. این کرایه راهم برایم حساب نمیکند. ما را با خاطر اینکه بتوانند اخراج کنند بقیه در صفحه پنجم